



# انترناسیونال

## ۲۶۹

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۷ آبان ۱۳۸۷، ۷ نوامبر ۲۰۰۸

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com سردبیر: محسن ابراهیمی



### بازگشت مارکس

#### "سرمایه داران جهان متحد شوید!"

بخش اول

"بانکداران جهان متحد شوید! شما چیزی ندارید که از دست بدهید مگر حق الامتیازهایتان، خانه های بزرگتان و تعطیلاتتان در جزایر کاراییب؛ و حالا که این همه بیکار شده اند، شما نهایتاً وقت دارید هشدار ترسنناک مارکس در باره کاپیتالیسم را بخوانید"

روزنامه لندن تایمز

این فراخوان لندن تایمز یک ادیت "کوچک" لازم دارد. به جای

"بانکداران جهان متحد شوید" باید خواند "سرمایه داران جهان متحد شوید". طی این مطلب، حکمت این ادیت "کوچک" معلوم خواهد شد. در واقعیت، امروز سرمایه داران جهان با تمام عمده ها و اکره های سیاسی و

ایدئولوژیک و تبلیغی و ترویجی و رسانه ایشان متحد شده اند: اتحادی مقدس برای در آمدن از بحرانی که سراسر وجود نظامشان را فراگرفته است. اتحادی مقدس مخصوصاً برای نجات از عوارض سیاسی این بحران، از شبی

محسن ابراهیمی

ترسناک که میتواند از درون این بحران سر بلند کند و تمام این مقدسات را بر هم بریزد؛ اتحادی

صفحه ۲



ستون اول

حمید تقوایی

### اوباما، تپه خاکی در برابر سیل!

انتخاب اوباما به ریاست جمهوری آمریکا نشانه پایان یک دوره در وضعیت سیاسی دنیا است: دوره سلطه بلامنازع مکتب شیکاگو و نتو- کنسرواتیسم بر جامعه آمریکا و بر کل جهان. دکترین سیاسی - اقتصادی که با ریگانسم و تاجریسم شروع شد و بعد از فروپاشی دیوار برلین بر کل جهان سرمایه داری سلطه پیدا کرد آشکارا به بن بست رسیده و ورشکست شده است. باتلاق جنگ عراق و افغانستان و تنفر مردم آمریکا از بوش و هیات حاکمه اش اعلام ورشکستگی سیاسی، و سقوط وال استریت اعلام ورشکستگی اقتصادی این دکترین بود. معلوم شد سرمایه داری بازار آزاد با همه دولتها و

صفحه ۵



### چه ساده لوحانه اظهار نظر می کنند!

آمریکا را نشان بدهد. کنه بحث ایشان این است که از دهه ۸۰ میلادی قرن گذشته ببعد مردم

صفحه ۹

زند و ژورنال می کند. او در شماره ۲۰ اکتبر ۲۰۰۸ هفته نامه نیوزویک مطلبی دارد که می خواهد "جنبه های مثبت" بحران اقتصادی جهان و بخصوص

فرید زکریا (Fareed Zakaria) یکی از سیاستمداران و یا بقول خودشان یکی از ژورنالیست هائی است که در دایره سیاست های جورج بوش و نتوکانیسم قلم می



ناصر اصغری

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه هنر، در اعتراض به اخراج همکلاسی های خود

صفحه ۷

پایینی ها نمی خواهند،  
بالائی ها نمی توانند!

کیوان جاوید

صفحه ۱۲

در حاشیه رویدادها

صدای مردم در کانال جدید

صفحه ۱۰

جمع اسپانسورهای کانال جدید تا این تاریخ،

ماهانه ۱۳۲۵۰ دلار

صفحه ۸

انقلاب سوسیالیستی در ایران  
چه تأثیری بر جهان بحراند  
سرمایه داری خواهد داشت؟

از میان سؤالات جلسات اینترنتی  
حمید تقوایی

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ بازگشت مارکس

مقدس در میان صف وسیعی از صاحبان سرمایه تولیدی و تجاری و مالی و بانکداران و بورس بازان و روسای جمهور و وزرا و وکلا و تئوریسینها و ایدئولوگها و مروجین و مبلغین و سردبیران و ستون نویسان؛ اتحادی مقدس در میان همه اجزای بورژوازی، از میلیاردها گرفته تا دولت سرمایه داری یعنی همان "کمیته اداره امور مشترک مجموعه طبقه بورژوازی" (مانیفست)، همان ارگان اعمال حاکمیت طبقاتی و سیاسی طبقه از نظر اقتصادی حاکم. اتحادی مقدس در مقابل "هشدار ترسناک مارکس".

مارکس، در سال ۱۸۴۸، مانیفست کمونیست را با این سطور به پایان رساند: "کارگران در این انقلاب جز زنجیرهای خود چیزی از کف نخواهند داد. ولی سراسر جهان را به چنگ می آورند. کارگران جهان متحد شوید." و کارگران جهان همان طبقه ای هستند که در مانیفست از آنها به مثابه "گورکنان" نظام سرمایه داری نام برده شده است که جزئی جدانشدنی از این نظام هستند و این نظام بدون آنها نمیتواند به حیاتش ادامه دهد و توسط همانها هم به گور سپرده خواهد شد. مارکس فراخوان به اتحاد کارگران جهان داد، همان کارگرانی که در کتاب "کاپیتال" با وضوحی خیره کننده ثابت شده است که در "این انقلاب" یعنی انقلاب کمونیستی چیزی برای از دست دادن ندارند جز زنجیرهایشان. ۱۶۰ سال بعد، در حالیکه بحران تمام بیکر سرمایه داری را فرا گرفته است، لندن تایمز، البته با طعنه و استعاره ای سفیهانه، بانکداران جهان را به متحد شدن فرا خوانده است. و البته با صداقت تمام اعلام کرده است که این بانکداران نه تنها چیزی بلکه خیلی چیزها دارند که میتوانند در "این انقلاب" از دست بدهند. خود همین برای متحد شدن انگیزه کمی نیست، با این تفاوت که کارگران برای راه انداختن انقلاب و سرمایه داران برای مقابله با انقلاب باید متحد شوند. کارگران در این نظام جهانی را از دست داده اند و سرمایه داران در این نظام جهانی را صاحب شده اند. طبقه کارگر از طریق انقلاب علیه این

تحلیل سرمایه داری را تحسین کرده است! کمونیستهای کارگری، آنهایی که دنیای سرمایه داری را از دریچه نگاه مارکس و منصور حکمت نگاه میکنند، همان کسی که در اوج پایکوبی ضد کمونیستهای جهان روی ویرانه های بلوک شرق به غوغای مستانه کل صف بورژوازی جهانی



نیشخند زد و اعلام کرد این دوره کوتاه است و بزودی تمام خواهد شد، باید امروز با کمال سربلندی به این اظهار ندامت ها بخندند. باید بنشینند و از فرط شادی بخندند که چگونه پاپ بنییکت، این فرزند خلف پاپ ژان پل دوم (در دانه همه ضد کمونیستهای جهان سرمایه داری)، این تجسم زنده و قرن بیست و یکمی آگاهی وارونه از جهان، در مقابل تجسم انسانی وارونه کردن جهان وارونه سر خم کرده است؛ که چگونه صدای فرتوت و میرای قرن بیست و یکمی جهل و خرافه یعنی "خورشید موهوم" مذهب، در مقابل صدای همیشه زنده آگاهی و علم و مبارزه علیه خرافات مذهبی یعنی همان "خورشید راستین انسان" سر خم کرده است!

آری "مارکس باب روز شده است" و کاپیتال هم وسیعا نظر ها به خود جلب کرده است. و جالب است که بعد از اعلام پایان قطعی مارکس و آرمناهایش در فردای فروری دیوار برلین، این اولین بار نیست که مارکس باب روز میشود و کاپیتال عظمت خود را به رخ میکشد. و باز هم جالب است که قامت استوار مارکس همیشه در مقاطعی که بحران وجود سرمایه داری را فرا میگیرد خود را نشان میدهد. یادتان هست که با فاصله کمی بعد از نعره های مستانه بورژواها، در مقطعی

که هنوز خماری نابودی جاودانه کمونیسم و مارکس و کاپیتال از سر این حضرات نپرسیده بود که نظر سنجی رسانه های خودشان نشان داد که کاپیتال کتاب مهمتری از انجیل است؟ یادتان هست که همزمان با بحران مالی ۱۹۹۷، همان مقطعی که بحران تمام وجود سرمایه داری در کشورهای آسیای جنوب شرقی فرا گرفته بود نشریه نیویورکر مقاله مفصلی با تیتیر "بازگشت مارکس" منتشر کرد؟ یادتان هست که یکسال بعد در ۱۵۰ امین سالگرد انتشار مانیفست، مارکس و مانیفست به سرتیتر رسانه های جهان رانده شد؟ یادتان هست که یکسال بعد در مقطع ورود به هزاره سوم، در نظر خواهی بی بی سی در مورد اندیشمندان هزاره دوم، کارل مارکس در صدر فهرست قرار گرفت و لقب بزرگترین اندیشمند هزاره دوم را به خود اختصاص داد؟ یادتان هست که سه سال بعد مجله نوول ایزروتور، یک جلد خود را به مارکس به عنوان نظریه پرداز سومین هزاره اختصاص داد؟ (باید به این پیش بینی نوول ایزروتور تحسین گفت وقتی می بینیم که در اوایل هزاره سوم مارکس و کاپیتال نقل مجالس محافل بورژوازی شده است). یادتان هست که یک سال بعد در یک همه پرسی در میان نیم میلیون مردم آلمان در کانال دوم تلویزیون آلمان، مردم مارکس را به عنوان مهمترین آلمانی تمامی اعصار انتخاب نمودند؟ و یادتان هست که یکسال بعد در سال ۲۰۰۵، مجله اشپیگل عکس روی جلد خود را با عنوان "شبحی که باز میگردد" به مارکس اختصاص داد؟ می بینید که بورژوازی نمیتواند از شبح "بازگشت مارکس" رها شود و در اوج بهت و حیرت همچنان مجبور است شاهد بازگشت مارکس و کاپیتال مارکس باشد. و جالب است که مارکس و کاپیتال درست در مقطعی باز میگرددند که بحران وجود نظام سرمایه داری را در بر میگیرد، بحرانی که مارکس آنرا ذاتی نظام سرمایه داری و جزئی جدانشدنی از این نظام اعلام کرده است. اخیرترین بازگشت مارکس دقیقاً در مقطعی اتفاق افتاده است که بحران سراسر وجود سرمایه داری را این بار در قلب آن، در سرزمین فرصتهای طلایی سرمایه داری

یعنی آمریکا فرا گرفته است. هنوز فقط قله یخ بحران سرمایه داری، یعنی اعلام ورشکستگی "برادران لیمن"، یکی از بزرگترین بانکهای ایالات متحده آمریکا ظاهر شده بود که یکی از بزرگترین بنگاههای انتشاراتی آلمان یعنی "کارل دیتس" در اوج نشنگی از سود سرشار از فروش کاپیتال، اعلام کرد که فروش کاپیتال سه برابر شده است. هنوز زنجیره بحران به اروپا و آسیا نرسیده بود که گاردین گزارش داد که بازدید کنندگان از محل تولد مارکس در تی پر در امسال چهل هزار نفر بوده است. هنوز طنین صلوات ابلهانه کل کمپ بورژوازی در باره مرگ قطعی مارکس و به موزه سپرده شدن قطعی آرمناهای مارکس شنیده میشود که مسئول موزه شهر تی پر انگشت حیرت بر دهان گفت که حساب مراجعینی که زیر لب زمره میکنند "این آدم از همان اول به حق بوده است" از دستش رفته است. و هنوز صدای "مارکس به تاریخ پیوست" کمپ سرمایه داری شنیده میشود که در ستونهای رسانه های همان کمپ با استیصال رقت باری اعلام کردند "مارکس باب روز شده است." همینجا باید به الکساندر کلاگ تبریک گفت که به هر دلیلی کار ساختن فیلمی بر اساس کاپیتال را شروع کرده است.

چندی پیش یک نمایشنامه تاریخی در یک پرده تحت عنوان "کارل مارکس و بازگشت او" به قلم هوارد زین را دیدم. مارکس در همان آغاز رو به جمعیت حاضر در سالن کرد و گفت: "خدا را شکر که یکی در اینجاست. از اینکه به اینجا آمده اید متشکرم. این نشان میدهد همه احمق هایی که ادعا میکردند "مارکس مرده است!" نتوانسته اند شما را از آمدن باز دارند. این درست است که من هم هستم ... و هم نیستم. این را به حساب دیالکتیک بگذارید." و ادامه داد: "روزنامه هایتان را خوانده ام. اینها همه صریحا اعلام میکنند که اندیشه های من مرده است! اما این چیز تازه ای نیست. این دلکها بیش از یک قرن است که همین را تکرار میکنند. شما هرگز از خود نپرسیده اید که چرا لازم است مرگ مرا بارها و بارها اعلام کنند؟"

## از صفحه ۲ بازگشت مارکس

مارکس حتما خودش پاسخ این سؤال را میدانست که آنهایی را که سوت مرگ مارکس را میزنند با کلمه احمق و دلقک مخاطب قرار داد. ما هم همراه مارکس به ریش اینها میخندیم که هنوز جوهر تنورپا و بیانییه هایشان در باره پایان سوسیالیسم و پایان آزادیخواهی و برابری طلبی و پایان مارکس و در یک کلام "پایان تاریخ" خشک نشده است که مجبور شده اند به همدیگر در باره "هشدار ترسناک مارکس" در باره پایان "پایان تاریخ" هشدار دهند! (اصلا خود تنورسین "پایان تاریخ"، جناب فرانسس فوکویاما، همان پرفسوری که بعد از انتشار نظریه "پایان تاریخ" در میان راستترین محافل بورژوازی جهانی برایش حلوا حلوا کردند، امروز سردرگم مانده است که با چه کلک و توضیحی خودش را از زیر این حماقت تنوریک و سیاسی که در کتاب "پایان تاریخ" اعلام کرده است در بیابورد! به مقاله "پایان آمریکا... به قلم همین پرفسور نگاه کنید). مجبور شده اند همدیگر را نصیحت کنند که اگر میخواهند سیستم خودشان را درک کنند بهتر است "کاپیتال" بخوانند! اما چه هشدار پوچ و سطحی و ابلهانه ای! ما از سر دلسوزی نصیحتشان میکنیم که قبل از قرائت کاپیتال یک آیت الکرسی بخوانند و در محافل رعب زده شان فوت کنند که در همان جلد اول کاپیتال کابوسی ترسناک دنیای نا آرام کنونیشان را ناآرام تر خواهد کرد چرا که کاپیتال به آنها یادآور خواهد شد که ریشه این بحران نه در "چند سیب فاسد" (پایین تر به این حقه سیاسی شناخته شده "چند سیب فاسد" خواهیم پرداخت) بلکه در بنیاد همان نظامی است که این اقلیت مفت خور و انگل و بیکاره، این "سببهای فاسد" را در سبد مال و مکنت کنونی غوطه ور کرده است. و روشن است که برای حل این بحران هم باید بنیاد این نظام زیر و رو شود و زیر و رو شدن بنیاد این نظام یعنی نابودی نظام کار مزدی و این هم هم یعنی از کف رفتن جهانی برای مفت خوران و بدست آوردن جهانی برای کارگران و همه انسانها.

## این یک کمپین سیاسی است

به این برمیگردیم که مراجعه دادن بورژواها توسط بورژواها به کاپیتال یعنی کاپیتال خوانی کاپیتالیستها (!) در واقع چه معنایی دارد. همینجا باید بگوییم که این همه "علاقه" به کاپیتال خوانی و مراجعه دادن به کاپیتال توسط کاپیتالیستها (!) به نام و با ظاهر اعتراف به حقانیت آموزشها و پیش بینی های علمی کارل مارکس در باره آینده سرمایه داری ظاهر کمیک یک واقعیت تراژیک است که در آن زیر جریان دارد و این حضرات را به این روز انداخته است.

صاحبان سرمایه، بورس بازان قهار، بانکداران بزرگ، تنورسینها و ایدئولوگهای بازار آزاد، روسای دولتها و نمایندگان پارلمانها، سناتورها و وکلای سرمایه، غولهای رسانه ای نظام موجود، و در یک کلام همه آنهایی که اجزا و ارکان نظام کاپیتالیستی هستند، همه آنهایی که تا همین دیروز با خاطره آتش بازیهای پای دیوار برلین سرخوش بودند، همه آنهایی که خشتهای آن دیوار را به عنوان نشانی از حضور فعالشان در فروری آن دیوار در ویرترین خانه هایشان نگه داشته اند، همه آنهایی که تا دیروز مدالهای سلحشوریشان در دفاع از نظام بازار آزاد و مبارزه با کمونیسم را برق میزدند و به رخ هم میکشیدند، همه آنهایی که تا دیروز بر صف متحد خود در مقابل کمونیسم می بالیدند و ابلهانه تصور میکردند میخهای کمونیسم برای همیشه کنده شد و میخهای کاپیتالیسم برای همیشه بر زمین کوبیده شد، یکباره وحشت زده و پریشان و سرگردان به هم ریخته اند، به خود میپیچند، انگشت اتهام به سوی هم نشانه میروند و اظهار ندامت میکنند که گویا زیادی روی "دست نامرئی بازار آزاد" حساب کرده بودند. اما مثل همه موارد، این جا هم چهره خوفناک بحرانی که میتواند به نتایج خوفناکتری منجر شود، غریب این حضرات را یکجا بیدار کرده است و در مقابل خطر خوفناکتر متحدشان کرده است. اینها اجزای یک طبقه و یک نظام هستند که در میان بازی کی بود کی بود من نبودم، خوب میدانند باید حواسشان روی آن نیروی طبقاتی ای

جمع باشد که کل طبقه اینها و کل نظامشان را میتواند به خطر بیاندازد. همان نیرویی که چندی پیش بانک جهانی خبر از شورش احتمالییشان داده بود: "شورش گرسنگان." همان نیرویی که هم آرمان و آرزوهایشان و هم راه رسیدن به این آرمانها و آرزوها و هم نیرویی که میتواند این آرمانها و آرزوها را متحقق کند در کتاب کاپیتال بوضوح ترسیم شده است. کاپیتال به همین دلیل "باب روز" شده است و کاپیتال را به همین دلیل باید آگاهانه و فعال و بی شرمانه تحریف کرد. این کاری است که همین الان مبلغین و مروجین نظام سرمایه داری سخت مشغولش هستند.

## سرمایه داران "سوسیالیست"!

آری، مارکس مجدداً باز گشته است. کاپیتال مجدداً محبوب شده است. و سرمایه داران مجدداً "سوسیالیست" شده اند! این دیگر حتماً خبر خوبی است که سرمایه داران "سوسیالیست" بشوند! مخصوصاً باید توجه داشت که این اتفاق در عین حال نشانه ای جدی از پایان دورانی است که "سوسیالیستها" از سوسیالیست بودن اظهار ندامت میکردند و به مداح دموکراسی و نعمات سرمایه داری تبدیل شده بودند. اوضاع برعکس شده است. سرمایه داران و تنورسینها و ایدئولوگهایشان دارند تلاش میکنند بار اصلی لجنی که بر جای گذاشته اند را به دوش هم بیاندازند. این قطعاً نشانی از دگرگونی یک ترند، یک پارادایم است؛ نشانی از پایان قطعی و تراژیک کمی "پایان تاریخ" است. آیا داریم به آن مقطعی میرسیم که در همان پاراگراف اول مانیفست به این صورت تصویر شد: "شبحی در اروپا گشت میزند: شبح کمونیسم. همه قدرتمندان اروپای کهنه - پاپ و تزار، مترنیخ و گیزو، رادیکالهای فرانسه، پلیس آلمان، - برای تاراندان این شبح به جهاد برخاسته اند."

وقتی "بن برنانک" رئیس صندوق مرکزی فدرال و هانری پولسون وزیر خزانه داری آمریکا، طرح کمک ۷۰۰ میلیارد دلاری از جیب مالیات دهندگان (یعنی طبقه کارگر آن جامعه، چون بر طبقه تئوری اقتصادی نشو کنسرواتو،

سرمایه داران قرار است به خاطر از دست ندادن انگیزه اقتصادیشان از مالیات دادن معاف شوند) را پیش کشیدند در محافل راست محافظه کار آمریکا پیچ راه افتاد که این دیگر بوی سوسیالیسم میدهد! اصلاً یک سناتور آمریکایی رسماً و علناً این دو را به سوسیالیست بودن متهم کرد! یعنی این سناتور، دو شخصیت سیاسی و اقتصادی منتخب دولت راست محافظه کار سرمایه داری آمریکا (دولتی که ظاهراً ادامه دهنده بلامنازع پیروزی سرمایه داری بازار آزاد روی ویرانه های شکست سرمایه داری دولتی روسیه را نمایندگی میکند) را متهم کرد که سوسیالیست شده اند! چرا؟ چون این دو در راس طرح نجات "وامهای بانکداران و سیستم مالی و نهایتاً سیستم سرمایه داری) با اختصاص ۷۰۰ میلیارد دلار از جیب مردم بوده اند. جالب است که این طرح "سوسیالیستی" فعلاً توسط جرج بوش حمایت شد که معرف حضور همه است. همان کابوی سرمایه دار که مسئول مستقیم بیکاری و بیخانمانی میلیونها مردم آمریکاست که فقط یک قلم از جنایاتش این است که قانون برای بیمه کودکان که چند میلیارد دلار (در صد بسیار ناقابل از همان ۷۰۰ میلیارد دلار) هزینه روی دست دولت میگذاشت را وتو کرد.

ما با سوسیالیست نامیدن دخالت دولت سرمایه داری در اقتصاد سرمایه داری، اعمال هر گونه مقررات به عملکرد آزاد بازار آزاد سرمایه داری آشنا نیستیم. ما میدانیم که در متن بحران سرمایه داری در دهه ۳۰ و وحشت از بهم ریختن اوضاع و رادیکال شدن شرایط سیاسی، همچنین زیر فشار سیاسی آثار انقلاب اکتبر، سرمایه داری جهانی دخالت از بالا و تحمیل مقرراتی بر کارکرد بازار آزاد را در دستور گذاشت که بتواند بحران عمیق اقتصادی را با کمترین صدمات سیاسی از سر بگذراند. جان مینارد کینز ستاره محبوب سرمایه داری، و سرمایه داری دولت رفاه، تاکتیک محبوب سرمایه داری جهانی شد. در آن مقطع بخش اعظم جهان سرمایه داری، دقیقاً برای رهایی از خطر سوسیالیسم، به این تاکتیک تن داد بدون اینکه نگران

"سوسیالیستی شدن سرمایه داری" شود. این انتخابی سیاسی و اقتصادی بود که به مثابه تنها راه مقابله با خطر سوسیالیسم به سرمایه داری تحمیل شد.

"سوسیالیست" بودن این سیستم در این حد بود: هم به خاطر مهار اقتصادی بحران سرمایه داری و هم به خاطر پتانسیل رادیکال شدن اوضاع سیاسی تحت تاثیر قدرتمند یک انقلاب سوسیالیستی و تشعشعات زنده جهانی، سرمایه داری ناگزیر شده بود دست بازار آزاد برای تعیین سرنوشت کارگران و مردم یا به عبارت در دستتر برای خانه خرابی آزادانه حیات بخش اعظم مردم جهان را کمی کوتاه کند و بر کارکردش توسط دولت سرمایه داری افسار بزنند. در یک جمله، سرمایه داری در متن یک بحران عمیق اقتصادی و تحت تاثیر انقلاب اکتبر مجبور شده بود کمی "سوسیالیست" شود. شرایط، ارگانهای سیاسی نظام کاپیتالیستی یعنی دولتها را ناگزیر کرده بود که در توزیع ثروت دخالت کند و مانع زیر و رو شدن کل نظام شود. مجبور شده بودند کمی از جیب سرمایه داران، یعنی محصول اجتماعی خلق شده توسط طبقه کارگر را به جیب کارگر برگردانند تا کارگر یکدفعه کل این ثروت را از دست صاحبان سرمایه در نیابد و در اختیار جامعه نگذارد.

امروز، برعکس دولت پا وسط گذاشته است تا در روز روشن از جیب طبقه کارگر بدزدد و بانکدارانش را از عواقب اقتصادی "وامهای بد" نجات دهد و نهایتاً نظامش را از عواقب بد "وامهای بد" نجات دهد. سوسیالیست نامیدن این دزدی آشکار از جیب طبقه کارگر نشانگر یک وقاحت علنی در روز روشن است. اما این تمام مسئله نیست. این پیچ سیاسی بر سر اتهام سوسیالیسم به دردانه های هارترین گرایش سرمایه داری و این اظهارات سناتور محترم نه از سر پخمنگی است و نه از سر شارلاتانیسم. بلکه ترکیبی از هر دو به چنین هذیانهایی منجر شده است. میتوان این اظهارات را به مثابه هذیانی از سر شکست جریان محافظه کاری جدید نگاه کرد و از کنارش با تمسخر رد شد. اما مطمئناً

## از صفحه ۳ بازگشت مارکسی

حتی پخمه ترین سیاستمداران همین جریان محافظه کار جدید هم میدانند که اینجا از سوسیالیسم حتی به عنوان سرمایه داری دولتی یا دخالت دولت در توزیع ثروت هم خبری نیست. اینجا دول محافظه کار راست دارند از جیب مردم تلفات سرمایه داری بازار آزاد را کاهش میدهند تا کل نظام سرمایه داری را از میان بحران کنونی تا میتوانند سالم بیرون بکشند.

بحران نظامی نیست که روی دوش میلیونها کارگر، روی انبار ارزش اضافی تولید شده توسط نیروی کار کارگران مشتی میلیارد تولید کرده است. نه خیر این بحران این نظام نیست. این بحران سرمایه داری بازار آزاد است. نه خیر این هم نیست. این بحران مالی و اعتبار و سیستم بانکی است. نه خیر این هم نیست. این بحران وامهای بد این سیستم بانکی است. نه خیر این هم نیست. این بحران پولداران حریص است. این بحران همه چیز است جز سیستمی که وال استریت و اعتبار و بانک و پول و میلیاردهای حریص فقط اجزائی از آن هستند.

"صادقترین" و "رادیکالترین" تنوریسینها و سیاستمداران مبلغ سرمایه داری قبول کرده اند که نظام بازار آزاد که قرار بود روی ویرانه های "سوسیالیسم" یعنی همان سرمایه داری دولتی، رفاه و آزادی و خلاصه بهشت برین به ارمغان بیاورد با شکستی مفتضحانه مواجه شده است. سارکوزی، همان کسی که در صحنه پایانی اما تراژیک نمایش کمدی "پایان تاریخ" در صحنه ظاهر شده بود تا به این کمدی نفس تازه ای بدمد با غمی جانکاه اعلام کرد که "نخیر" نظام بازار آزاد دیگر پایان یافت. "روشن است که این انتقاد از خود "رادیکال" بیشتر به خاطر خطر عروج آلترناتیو رادیکال و چپ و سوسیالیستی است که میتواند از درون این اوضاع سربلند کند. با یک منطق سطحی، اگر نظام بازار آزاد مسبب این وضعیت است لابد راه نجات هم در بهترین حالت بازگشت به سرمایه داری دولتی یا درجه ای از دخالت دولت در کارکر بازار آزاد است. و روشن است که چنین نتیجه ای هنوز برای طبقه بورژوا بسیار آرامشبخش است.

اما خیلی از تنوریسینها و مبلغین بازار آزاد حواسشان جمع است که باید انگشت اتهام را حتی از سرمایه داری بازار آزاد که دو دهه تمام برایش بوق و کرنا راه انداخته بودند دور کرد و به سمت دیگری برگرداند. باید انگشت اتهام را به

روی این سیستم بانکی و مالی کنترل و حسابرسی لازم تعبیه نشده است و دستش زیادی باز گذاشته شده است! یعنی مقصر حتی سیستم و نهادهای مالی و بانکی نظام سرمایه داری هم نیست. مقصر فقدان مقررات و محدودیت روی این سیستم و نهادهاست. ولاید در این صورت راه نجات هم تعبیه مقررات و محدودیت روی این سیستم و این نهادهاست!

و هنوز هم باید حواس را جمع کرد. اکنون که مارکس باب روز شده است و فروش کاپیتال سه برابر شده است ممکن است مردم با خواندن کاپیتال بفهمند که خود همین سیستم بانکی و بورس و اعتبار و پول، ولو با محدودیتها و مقررات، اجزای جدایی نشدنی نظام کاپیتالیستی هستند. پس باید تاکید کرد که متهم اصلی حتی این سیستم بانکی و مالی و بورس بازی که جزیی از سیستم سرمایه داری است نیست. بلکه مقصر دلان و بورس بازان و بانکداران حریص و طمعکار هستند. و لابد در این صورت راه نجات از این وضعیت هم افسار زدن به این طمعکاران است!

دیگر باید روشن باشد که اینجا ما با یک تحلیل اقتصادی از ریشه بحران و راه نجات از آن مواجه نیستیم. اینجا با یک کمپین شیادانه سیاسی علیه طبقه کارگر روبرو هستیم. یک کمپین هماهنگ سیاسی تا نقد طبقه کارگر را از بنیادهای این نظام، از نظام سرمایه داری، با یا بدون بازار، با یا بدون بورس بازان منحرف کند. این کمپین سیاسی برای این حضرات آتقد مهم و حیاتی است که حتی پیامبر کهنه کار سرمایه داری بازار آزاد، یعنی گرین اسپن که تمام عمرشان را در خدمت توجیه تقدس سرمایه داری و آزادی بازار و باز کردن افسار بازار گذرانده است امروز با کمال حقارت حاضر شده انتست به خاطر در بردن کل نظام سرمایه داری از معرض نقد اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر، حیاتی ترین اصول خود را زیر سؤال برد و افسار زدن به بازار را تبلیغ را به مثابه راه نجات از این وضعیت تبلیغ کند! همان کسی که یک عمر مردم را قانع میکرد که نهادهای مالی حق دارند هر گونه که میخواهند کار خود را پیش ببرند چون به قول ایشان "این پول خودشان

سوی اشتباهات و نواقص بازار آزاد برگرداند. به این معنا، مقصر این نیست که سرنوشت چی تولید شود و چقدر تولید شود به دست مکانیسم بازار و دستان نامرئی اش سپرده شده است، بلکه مقصر این است که این بازار زیادی آزاد بوده است؛ زیادی به حال خودش گذاشته شده است؛ زیادی افسارش ول شده است. مقصر سرمایه داری بازار آزاد نیست؛ مقصر افسار گسیختگی بازار است. اصلا میتوان به خود مارکس که "باب روز شده است" مراجعه کرد و شیادانه از مارکس برای اثبات این "حقیقت" یاری گرفت. برای مثال، برآشتاین بروک، وزیر دارایی آلمان گفته است که "مارکس خیلی اشتباه نمیکرد: یک سرمایه داری لگام گسسته، آنگونه که ما شاهدش بودیم، دست آخر خود را نیز می بلعد." این دیگر واقعا یک شیدای تهوع آور و رقت انگیز است که برای نجات نظام تولیدی سرمایه داری به اسم مارکس آویزان شد و فقط "لجام گسیختگی" سرمایه را مسبب این وضع اعلام کرد! همه این تقلیلهای مذبحانه به این خاطر است که راه نجات از این وضع را از نظام تولیدی سرمایه داری دور کنند و اعلام کنند که اگر افسار گسیختگی مسبب این وضع است. در اینصورت راه نجات هم افسار زدن به این بازار افسار گسیخته است! برای ما کارگران، برای ما کمونیستها معنای این حقه بازی سیاسی به نام مارکس مثل روز روشن است: ما میدانیم که این کلانسان سیاسی حاضر شده اند به تقدس بازار دست دراز کنند تا چیز مقدس تری یعنی نظام سرمایه داری را نجات دهند.

نه خیر نباید حتی زیادی روی افسار گسیختگی بازار آزاد کوبید که دو دهه است تحت عنوان "سرمایه داری بازار آزاد" و به عنوان راه نجات تمام بشریت و ارمغان آور رفاه و آزادی به مردم جهان حقنه کرده اند! این میتواند اذهان را به خود سیستم سرمایه داری منحرف کند! باید از سرمایه داری و سرمایه داری بازار آزاد و افسارگسیختگی بازار آزاد دور شد و اعلام کرد که بورس بازی و دلالی و سیستم بانکی که با بحران سیستم مالی امروز هم خوانایی دارد مسبب این وضع است. حتی باید از سیستم بانکی هم دور شد و روی این انگشت گذاشت که

است که در خطر است"، امروز مجبور شده است در مقابل کنگره آمریکا ظاهر شود و بگوید "شوک" شد که بانکها نتوانسته اند خودشان را به نحوی مناسب محافظت کنند؛ "اشتباه میکردم که فکر میکردم نفع خود سازمانها مخصوصا بانکها بهتر از هر چیزی توان محافظت سهامداران و سهم این نهادها را دارند." و روشن است که این اظهار ندامت تحلیلی برای اعلام حقانیت این آلترناتیو است که "بازار با کمی مقررات خوب است."

از این بگذریم که این شارلاتانهای سرمایه که با یک چرخش ساده زبان میگویند اشتباه میکردیم همانهایی هستند که تا همین دیروز پای همدیگر را له میکردند و باد در غنغب می انداختند که به جیب زدن میلیاردها دلار توسط دلان بورس باز در یک چشم به هم زدن نشانه روشنی از ظرفیتهای بی پایان سرمایه داری برای رشد و ارزش آفرینی است؛ همانهایی هستند که تا همین دیروز به روح میلتنون فریدمن صلوات میفرستادند؛ کسی که شریک جرم مستقیم بی خانمان کردن کارگران در قلب آمریکا و ارویاست؛ کسی که در راس مکتب خونین "شیکاگو" عمری تنوریسین "شوک درمانی" اقتصادی بوده است؛ کسی که مستقیما مشاور خونتاهای نظامی آمریکای لاتین و دیکتاتورهای آسیای شرقی برای راه انداختن برنامه های خانمان برانداز بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بوده است؛ کسی که مشاور جنایتکار مشهور قرن پینوشه بوده است؛ کسی که باید به عنوان متهم ردیف اول راه انداختن دستگاه قتل و آدم ربایی و شکنجه در آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی محاکمه شود؛ کسی که زندگی نسلهایی از کارگران در این کشورها را به تباهی کشانده است و میلیونها کارگر را بیکار و میلیونها خانواده را خانه خراب و میلیونها کودک را به گرسنگی محکوم کرده است.

آری، این سرمایه داران و تنوریسینها و ایدئولوگها و رسانه هایشان امروز پای همدیگر را لگد میزنند که در اول صف اظهار ندامت از این گذشته باشند. تردید ندارم که امروز اگر خود میلتنون فریدمن زنده



از صفحه ۱ **اوباما، تپه خاکی در برابر ...**

مقامات و متفکرین و نظریه پردازانش (مکتب شییکاگو و فریدمانیسم، تاچریسم - ریگانیسم، نئو کنسرواتیسم، نئو لیبرالیسم، لیبرتاریانیسم و غیره) درمانده و بی افق و مستاصل اند و راه حلی برای جهان جنگزده و بحرآنزده ای که بوجود آورده اند ندارند. برای همه مردم روشن شد که "نظم نوین" سرمایه نه می‌تواند دنیا را اداره کند و نه حتی آنرا به خود و به دیگران توضیح بدهد.

اوباما حاصل این بن بست، سردرگمی و بحران عملی - ایدئولوژیک کل کمپ سرمایه داری جهانی است. کاندیداتوری و پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری پاسخ طبقه سرمایه دار - در آمریکا و در سطح جهان - به این بحران همه جانبه است. می‌خواهند جلوی یک سیل بنیان کن را با یک تپه خاکی بگیرند! مردم آمریکا و کل جهان غرب و دنیا از بوش بعنوان نماینده وضعیت موجود متنفرند، ناراضی عمومی مردم از جنگ عراق با

نارضایتی ای بمراتب شدید تر از اوضاع بحرآنزده اقتصادی تکمیل میشود و برای اولین بار نظر سنجی ها در جامعه آمریکا نه صرفا از نارضایتی و یا مخالفت بلکه از خشم مردم آمریکا سخن می‌گویند. کارشناسان و نظریه پردازان بورژوازی از فرانسیس فوکویاما تا آلن گرینسپن و از وال استریت جورنال تا هفته نامه اکونومیست به "اشتباهاتشان" در دفاع بی‌قید و شرط از بازار آزاد اعتراف میکنند، و فهم ترین و صادق ترینشان گیج و حیرت زده زیرلبی اذعان میکنند که "شاید حق با مارکس بوده است". قرار است اوباما به این صف درهم ریخته بورژوازی جهانی سرو سامانی بدهد و در برابر سرمایه جهانی منفذی برای خروج از این بن بست باز کند.

"تغییر"، محور کمپین انتخاباتی اوباما و رمز پیروزی او بود. مردم آمریکا مثل مردم همه جهان خواهان تغییرات بنیادی در وضعیت موجود هستند و بورژوازی

کاندیدی را به صحنه آورد که بتواند با این موج تغییر همراه شود تا آنرا در چارچوب قابل تحملی برای طبقه حاکمه کنترل و محدود کند. بی شک با روی کار آمدن اوباما وضعیت سیاسی در آمریکا و در جهان "تغییر" خواهد کرد، اما نه تغییری که مردم انتظار دارند و به آن امید بسته اند. با کنار رفتن نئوکنسرواتیسم درد و مشکل مردمی که قربانی سودپرستی ذاتی نظام سرمایه در هر شکلش، خصوصی و دولتی و آزاد و یا کنترل شده هستند جواب نخواهد گرفت. ریشه درد یک میلیارد مردم گرسنه دنیا، قحطی و گرانی که مردم بیش از سی کشور جهان را تهدید میکند، و بیخانمانی و بیکاری فزاینده در خود جامعه آمریکا تنها سلطه نئوکنسرواتیسم در سیاست و اقتصاد نیست، کل نظم سرمایه است.

در این وضعیت بحرآنزده نظم سرمایه، دست بدست شدن قدرت بین احزاب حکومتی در آمریکا، این فایده را برای طبقه حاکمه دارد که کل سیستم را از زیر تیغ حمله

مردم بدر برد. ماموریت و رسالت اوباما حفظ وضع موجود تحت لوای تغییری است که مردم خواهان آن هستند. او آمده است تا خواست توده ای تغییر را به نفع طبقه حاکمه مصادره کند. اما این کار ساده ای نیست. شرکت نسبتا وسیع مردم آمریکا در انتخابات و شور و شوقی که با روشن شدن نتیجه انتخابات مردم نه تنها در آمریکا بلکه در بسیاری از کشورهای دنیا نشان دادند نشانه اعتراضشان به وضعیت موجود و انتظار و توقع بالا و فوری است که از تغییر دارند. کارگرانی که در مخالفت با لایحه هفتصد میلیارد کمک به بانکها شعار میدهند

"Don't bail them. jail them!" (کمکشان نکنید، زندانشان کنید!)، و یا زن بیخانمانی که اعتراضش را اینطور بیان میکند که "به کسانی که ما را خانه خراب کرده اند جایزه ندهید!" این نقد و اعتراض عمیق مردم به تغییر وضع موجود را بیان میکنند.

اوباما نماینده این گرایش نیست، عکس العمل و پاسخ نظم

موجود به این گرایش است. او حد اکثر نقش مسکن موقتی را ایفا خواهد کرد که با رنگ باختن توهامات مردم به سرعت بی اثر خواهد شد. مضمون سیاستهای اوباما از آنچه بیل کلینتون در دو دوره ریاست جمهوری انجام داد فراتر نمیرود، اما حتی اقبال کلینتون را نخواهد داشت. دوران دیگری است. بیل کلینتون در آستانه پیروزی بازار آزاد به مدل سرمایه داری دولتی بلوک شرق به قدرت رسید و اوباما در اوج ورشکستگی سیاسی و اقتصادی بازار آزاد بمیدان می آید. نه اوباما و نه حزیش و نه هیچ گروه و حزب و جناح بورژوازی جهان پاسخی به این وضعیت بحرآنزده ندارد. این شرایطی است که بطور عینی و واقعی سوسیالیسم و نقد سوسیالیستی وضع موجود را می طلبد و بمیدان فرا میخواند. و بسیج و سازماندهی کردن این اعتراض در یک مقیاس جهانی پاسخ واقعی به تغییری است که مردم آمریکا، و توده میلیاردری مردم گرسنه و زیر خط فقر در سراسر دنیا، طالب آن هستند. \*

از صفحه ۴ **بازگشت مارکس**

بود تقلا میکرد در صف اول این اظهار ندامت قرار گیرد! ما این اظهار ندامت این جنایتکاران حرفه ای را به فال نیک میگیریم که به طور قطع نشانی از خبرهای بسیار خوبی برای طبقه کارگر است. اینها آنچنان زیر فشار قرار گرفته اند که مجبور شده اند از اصول پایه ای خود اظهار ندامت کنند. این شبیه ندامت خمینی از اعتقاد به حقانیت ولایت فقیه است؛ شبیه ندامت پاپ از اعتقاد به حقانیت تثلیث است؛ شبیه ندامت خاخام اعظم از اعتقاد به حقانیت برگزیده بودن قوم یهود است. تا اینجا ما از "بازگشت مارکس" از نقطه نظر طبقه بورژوا صحبت کردیم. اما "بازگشت مارکس" برای بورژواها اساسا به

## به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

یک زمین  
یک نژاد  
آنهم  
نژاد انسانی



**یک دنیای بهتر**  
برنامه حزب را بخوانید  
و در سطح وسیع توزیع کنید

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

**سوسیالیسم پیا خیز!**  
برای رفع تبعیض

## از میان سئوالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

## انقلاب سوسیالیستی در ایران چه تاثیری بر جهان بحرانزده سرمایه داری خواهد داشت؟

**حمید هادیان:** حمید تقوایی، در تایید صحبت‌های شما دیشب با چندتا از دوستان در یک جلسه اتحادیه ای در کانادا شرکت داشتیم و در آنجا فعالین اتحادیه باطلاح ما می‌رسانند که این بیکارسازیها و بسته شدن کارخانه ها از فوریه امسال در سطح بسیار نگران کننده و وسیعی شروع شده است! ببینید این دولتها بسیاری از حقایق را چطور از مردم مخفی کرده اند و چطور با پرویی تمام صرفا اعلام میکنند که بحران فقط مالی و اعتباری است! حتی در آمریکا هم که در همان اول گفته بودند که یک میلیون نفر بیکار شده اند ما دیدیم که با یک فاصله کوتاهی آمدند و این بحران باصطلاح مالی و اعتباری شان را طوری مطرح کردند که انگار این دو تا هیچ ربطی بهم ندارند! در مورد دیگری هم در کانادا کارگرانی که حتی تا ۲۵ سال کار کرده بودند صبح که وارد کارخانه میشوند میبینند که کارفرما درب کارخانه را بسته و به همه کارگران اعلام میکند که (کار تمام شده و بروید پی کارتان و ما ورشکست شده ایم!) و سپس دولت آمده و بدهی این کارفرما و کارخانه را به بانکها پرداخت کرده اما به کارگران کارخانه که مثل کارگران ایران چندین ماه حقوق عقب افتاده دارند هیچ چیزی نپرداخته اند، و الان اتحادیه های کانادا در ۲۲ نوامبر تازه میخواهند جلسه بگیرند و به این مطالبه رسیدگی کنند! این در واقع نقش دولت را بطور آشکار نشان میدهد که چه بهنگام استثمار روتین کارگران و چه موقع اعتصابات کارگری و صف بستن پلیسها و چه در هنگام ورشکستگی، در تمامی این موارد دولت چگونه از کارفرمایان پشتیبانی میکند. بنظر من ما شاهد صحنه هایی خواهیم بود که اگر یادتان باشد من و شما در اوایل دهه ۷۰ در انگلستان شاهدش

وامهایشان را پرداخت کنند و خانه هایشان را از دست داده بودند صورت گرفته است. میخواهم بگویم که خوب جنبیدن مردم ایران برای سرنگون کردن هارترین حکومت سرمایه داری جهان چه تاثیر خاصی میتواند برای جنبیدن و تلاش مردم غرب در مقابل حکومت‌های باصطلاح دمکراتیک داشته باشد؟

**حمید تقوایی:** بله ابتدا اجازه بدهید که این نکته را منم بیشتر توضیح بدهم که تاثیرات این بحران بر کشورهای غیر صنعتی مثل ایران چه خواهد بود. بنظر من این درست است که کارگران و زحمتکشان این کشورها باید قیمت بسیار بیشتری بپردازند. اگر یادتان باشد در چند ماهه گذشته اعلام کردند که خطر قحطی و گرسنگی دنیا را تهدید میکند و بانک جهانی پیش بینی کرده بود که در بیش از ۳۰ کشور دنیا که عقب مانده ترین کشورها هستند با خطر انقلاب گرسنگان روبرو خواهیم بود، و ایران هم جزء همین کشورهاست، و زمانی هم که این بحران وال استریت پیش آمد دوباره بر این نکته تاکید میکنند که خطر شورش گرسنگان تشدید شده است و اینبار در کشورهای بیشتری رخ میدهد! طبعاً همانطوری که شما گفتید اینها قبلا اعلام کرده بودند که با یک بحران مالی مواجه هستند ولی در واقع از ماهها قبل این بحران خودش را در کمبود و قحطی و گرانی دنیا نشان داده بود. این درواقع بروشنی نشان میدهد که این بحران صرفا مالی نیست و من همیشه هم گفته ام که این تنها فرم و شکل بروز بحران است که در بانکها و سرمایه مالی خود را نشان میدهد اما بانکها صرفا نمایانگر سرمایه مالی نیستند! بانکها منبع سرمایه و اعتباراتی هستند که در همه بخشهای تولیدی و تجاری فعالیت میکنند. و به همین دلیل بحران بانکها یعنی بحران کل سیستم سرمایه داری. نکته دیگر اینکه برای مردم بحران ملتها قبل از سقوط وال استریت شروع شد. نقطه اوج این بحران برای سرمایه داران سقوط وال استریت بود ولی برای مردم دنیا از ۵-۶ ماه قبل بحران به شکل بیکاریهای وسیع و قحطی و گرسنگی خودش را نشان داده بود. سرمایه داران نگران ورشکستگی

سرمایه ها، سقوط قیمت سهام و غیره هستند و کارگران و مردم نگران گرسنگی و گرانی و قحطی و بیکاری و بیخانمانی. و این تاثیرات در کشورهای عقب مانده بر مراتب شدید تر است. اگر جامعه ایران را مد نظر قرار بدهیم این تاثیر را خیلی روشن میبینیم. خب ما میدانیم که اقتصاد جامعه ایران قبلا هم بحران زده بود و بورژوازی و جمهوری اسلامی در آن جامعه مدت‌هاست با بی ثباتی و بحران سیاسی دست بگریبان است. یک نتیجه این وضعیت اینست که سرمایه ها هیچ تضمین سیاسی و امنیتی ندارد و کسی حاضر نیست در میان مدت و حتی برای سه یا چهار سال در آن مملکت سرمایه گذاری کند! یک مافیای چپاول و بزد و بخور و ببر در ایران در قدرت است که همه اقتصاد را کنترل میکند. نمونه اش هم همان آیت الله های میلیاردی بودند که دو سه ماه پیش خودشان دست خودشان را رو کردند و معلوم شد که چگونه از پول نفت گرفته تا جنگلها و صنایع و معادن، و تا شرمه و دسترنج کارگران و مردم را میخورند و غارت میکنند. به این معنی آن جامعه هیچوقت یک جامعه متعارف برای تولید سرمایه داری نبوده است.

این شرایط با بحران جهانی سرمایه بمراتب بدتر خواهد شد. بحران در جامعه ایران خود را بشکل عمیقتر و فجیعتی نشان خواهد داد و همین حالا هم با بالا رفتن وحشتناک سطح تورم و طولانی شدن حقوق های عقب افتاده و تشدید و گسترده شدن اخراج سازیها خود را نشان میدهد. بقول شما زمانی که در خود کانادا چند ماه حقوق کارگر اخراج شده را نمیدهند طبعاً در ایران هم تاثیر این بحران صد درجه شدیدتر از این خواهد شد. منتهی اینرا هم باید بگویم که تفاوت جامعه ایران اینست که در آن جامعه نیروی چپ و کمونیست کارگری بسیار قویست و حزبی مثل حزب کمونیست کارگری فعال است و کارگران و توده مردم معترضند و نه تنها هیچ نوع توهمی به این حکومت ندارند بلکه بشدت از این دستگاه حکومتی متنفرند و میخواهند هرچه زودتر از شرش خلاص شوند.

بنظر من برای ما و برای طبقه کارگر و مردم ایران این بحران بمعنی

انقلاب است! این بحران یعنی اینکه بیش از پیش برای سازماندهی یک انقلاب اجتماعی باید بکوشیم و تلاش کنیم. این دیگر کاملاً روشن شده است که نظام سرمایه در همه جای دنیا مستول چنین وضعیتی است، و این روشن شده است که نه تنها در ایران بلکه در تمامی نقاط جهان هم اگر مردم بخواهند که از این فقر و فلاکت نجات پیدا کنند باید بلند شوند و نظام سرمایه داری را درهم بکوبند و یک نظام سوسیالیستی را پایه ریزی کنند. در ایران چنین جنبشی وجود دارد و قدرتمند است، در خیابانها هست و حزب سیاسی را دارد، و نظرات و سیاستها و شعارها و اهداف و برنامه اش را دارد. بهمین خاطر من فکر میکنم که جامعه ایران برای بورژوازی جهانی ضعیفترین حلقه است و برای طبقه کارگر قوی ترین جبهه تعرض به سرمایه داری است. جمهوری اسلامی عصاره و جرثومه توحش و ارتجاع و زدالت سرمایه داری نظم نویسی است و گنبدی سرمایه داری عصر ما را نمایندگی میکند، و در مقابلش یک جنبش کمونیست کارگری قوی و عظیمی شکل گرفته است که بعنوان مظهر آرمان انسانیت و آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه پایه و نفوذ دارد و محبوبیت دارد. حزب ما حزب این جنبش است. ما ضعیفترین حلقه زنجیره سرمایه داری را بزودی در هم خواهیم شکست و با پیروزی انقلاب و بر روی کار آمدن یک دولت سوسیالیستی و دخالت مستقیم مردم در سرنوشت خودشان و خلع ید سیاسی و اقتصادی از سرمایه داری یک مدل و نمونه ای در ایران بوجود خواهد آمد که بنظر من وضع کلی جهان را دگرگون خواهد کرد. ببینید، جواب نظری و سیاسی به این دنیا یک حرف است و جواب اجتماعی و تجربی و تاریخی هم حرف دیگر است. انقلاب ایران یک جواب اجتماعی و تاریخی به وضعیت دنیا خواهد بود و راه واقعی برون رفت از این جهان جنگرده و بحرانزده را در برابر چشمان کارگران و مردم زحمتکش جهان خواهد گذاشت. بنظر من انقلاب سوسیالیستی در ایران بسیار بسیار بیشتر از انقلاب اکتبر در سرنوشت دنیا تاثیر خواهد داشت.

این مطلب را ناصر احمدی  
پیاده و تایپ کرده است.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه هنر، در اعتراض به اخراج همکلاسی های خود

حدود هزار نفر از دانشجویان دانشگاه هنر تهران روز گذشته در اعتراض به برخورد های کمیته انضباطی با دانشجویان و اخراج دو تن از دانشجویان دختر به دلیل رعایت نکردن حجاب و صحبت با پسران، و همچنین وضعیت بد خدمات رفاهی دانشگاه تجمع اعتراضی برپا کردند. اعتراض دانشجویان که طبق اعلام قبلی از ساعت ۱۱/۳۰ صبح شروع شد و تا ساعت ۴ بعد از ظهر ادامه داشت با دخالت نیروهای پلیس ضد شورش به خشونت علیه دانشجویان کشیده شد. دانشجویان دانشگاه هنر در اعتراض به اخراج دانشجویان دختر این دانشگاه و سایر مطالباتشان در حیاط دانشگاه جمع شدند، دانشجویان همچنین به حضور آخوندهایی که در دانشگاه هنر به عنوان استاد مشغول به کار هستند اعتراض دارند و خواهان اخراج آنان از دانشگاه شان هستند. دانشجویان با نخوردن غذا و چیدن ظروف غذای خود در حیاط دانشگاه به وضعیت بد خدمات رفاهی دانشگاه اعتراض و با زدن بر روی ظرف غذا توجه مردم

بیرون از دانشگاه را به خود جلب می کردند. تجمع اعتراضی دانشجویان با وجود دخالت نیروهای سرکوبگر پلیس و محاصره دانشگاه با سخنرانی تعدادی از آنان و طرح مشکلاتشان ادامه داشت، دانشجویان اعلام کرده اند تا رسیدن به خواسته هایشان اعتراض شان را ادامه می دهند.

حکومت اسلامی سخت گیری و اخراج دانشجویان را افزایش داده است ۳ تن از دانشجویان دختر دانشگاه شیراز هم به بهانه رعایت نکردن حجاب از دانشگاه اخراج شدند و ۲ دانشجوی دختر دانشگاه هنر هم در آستانه اخراج قرار دارند. حکومت آپارتاید جنسی اسلامی تلاش می کند با سرکوب به ویژه دختران در دانشگاه فضای اعتراضی را در دانشگاه ها آرام کند. سرکوب و اخراج دختران تبعیض جنسیتی برای پذیرش دختران و حشتم رژیم از حضور فعال دختران و زنان در جامعه را نشان می دهد.

باید به آپارتاید جنسی در دانشگاه ها اعتراض کرد، باید به جمهوری اسلامی نشان داد هر حکم

اخراج یا احضار به کمیته انضباطی وسیعترین اعتراضات دانشجویان را به دنبال دارد. جمهوری اسلامی باید بداند نمی تواند با اخراج دختران دانشجویان فضای دانشگاه را سرکوب کند بلکه برعکس بیشترین اعتراضات را علیه خود بر می انگیزد.

سازمان جوانان کمونیست از دانشجویان سراسر کشور می خواهد در حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر تهران و دانشگاه شیراز، برای جلوگیری از اخراج دوستان خود و برای لغو آپارتاید جنسی و برداشتن محدودیت های اسلامی از دانشگاه ها اعتراض خود را گسترش دهند. برچین بساط حراست و کمیته های انضباطی و لغو احکام آنان، آزادی دانشجویان زندانی و ارتقاء سطح آموزشی و رفاهی تا سطح بالاترین استانداردهای جهانی از مهم ترین مطالبات دانشجویان است که باید با برپایی اعتراضات گسترده به جمهوری اسلامی تحمیل کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
سازمان جوانان کمونیست  
۱۶ آبان ۸۷، ۶ نوامبر ۲۰۰۸

## شورای اکس مسلم در سوئد بر گزار میکند: برای آزادی بیان و علیه اسلام سیاسی سخنراناں کنفرانس:

مینا احدی سخنگوی سازمان "علیه تبعیض" و شورای اکس مسلم آلمان، مسول کمیته بین المللی علیه اعدام

مریم نمازی سخنگوی سازمان "علیه تبعیض"، مسول اکس مسلم بریتانیا، مسول تلویزیون انترناسیونال - بخش انگلیسی، عضو سردبیری WPI briefing.

لار ش ویلکس هنرمند و کاریکاتوریست مشهور، اینگوار اکلند مسؤل اومانیهستهای سوئد، ربکا هی بینت از سازمان اومانیهستهای سوئد، جنس گنمن نویسنده موزیکال "سیاه مثل گناه" لارس ویلکس هنرمند و طراح کاریکاتورهای محمد فیلم موزیکالش در مورد زندگی محمد را برای اولین بار به نمایش می گذارد مجریان پانل بحث و گفتگو: افسانه وحدت، مسؤل اکس مسلم در سوئد ایلس ولتر، از اعضای سازمان اومانیهستها در استکهلم

۲۲ نوامبر ۲۰۰۸ ساعت ۱۲ الی ۱۶

در سالن Z در ABF استکهلم ورودی: ۵۰

کرون

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۲۴۶۸۴۵۴

## حکم زندان افشین شمس قهفرخی را محکوم می کنیم

حزب کمونیست کارگری حکم زندان افشین شمس قهفرخی را شدیداً محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بدون قید شرط او و تمامی زندانیان سیاسی است. حزب کارگران و همه مردم را به مبارزه برای گشودن درهای زندانهای جمهوری اسلامی و آزادی افشین شمس قهفرخی و دیگر زندانیان سیاسی فرا می خواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ نوامبر ۲۰۰۸، ۱۳ آبان ۱۳۸۷

بنا به اخبار رسیده، دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در اصفهان، افشین شمس قهفرخی، عضو "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" و همچنین عضو انجمن کاریکاتوریستهای ایران را روز ۱۱ آبان ماه امسال به یک سال حبس تعزیری محکوم و حکم را در غیاب وکیل به او ابلاغ کرد.

جمهوری اسلامی افشین شمس قهفرخی را روز ۱۳ تیرماه دستگیر و روانه زندان دستگرد اصفهان کرد و تمام این مدت او را بدون تفهیم جرم در زندان نگهداشت. تقاضاهای مکرر وکیل افشین نیز که خواسته بود او را با قرار وثیقه آزاد کنند، هر بار با جواب رد مواجه شد.

## سالگرد انقلاب اکتبر را جشن می گیریم!

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، این عظیم ترین دست آورد اجتماعی بشر، نشان داد که تنها طبقه کارگر می تواند با بدست گرفتن قدرت سیاسی افق نوینی برای ساختن یک دنیای عاری از استثمار، آزاد و برابر در مقابل کل جامعه بگشاید.

این دستاورد عظیم انقلاب اکتبر، که اراده طبقه کارگر متشکل و متحزب میتواند قدرت سیاسی را بدست بگیرد، پایه های نظام سرمایه داری را چنان به لرزه درآورد که پس لرزه های آن تا ده ها سال بعد منشا اثرات مثبتی در زندگی بخش مهمی از محرومان جهان، منجمله در خود غرب شد. و امروز، در این لحظات جاری تاریخی که متفکرین سرمایه داری با فروپاشی وال استریت به فروپاشی جهان خود اذعان می کنند، چشم اندازی جز فلاکت و سرکوب سبانه در ابعاد میلیاردی برای عرضه به مردم جهان ندارند. پس بشریت امروز عاجل تر از همیشه با انتخاب خطیر میان سوسیالیسم یا بربریت روبروست. آری، جهان نیازمند "اکتبر" دیگری است!

گرامیداشت انقلاب اکتبر گرامیداشت انسانیت در مقابل توحش سرمایه داری است.

به جشن ما بیائید!

## برنامه شامل

### سخنرانی:

حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران  
خبات مجید، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری چپ عراق  
شلم، موسیقی و رقص

# جمع اسپانسورهای کانال جدید تا این تاریخ، ماهانه ۱۳۲۵۰ دلار

هدف سه ماه دوم رسیدن به ۱۸۰۰۰ دلار در ماه است

کانال جدید به کمک مالی شما نیاز عاجل دارد

لیست دوازدهم اسپانسورهای کانال جدید را به اطلاع میرسانیم. از همه دوستان عزیزی که طی هفته گذشته اسپانسور شده و لیست اسامی و مبالغ کمک آنها در پائین آمده است، صمیمانه تشکر میکنیم. با کمک های شماست که ادامه کاری صدای آزیخواهی و برابری طلبی، تریبون اعتراض مردم و ابزار سازماندهی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی را میتوان تضمین کرد. ما هدف سه ماهه ای را در برابر خود قرار داده بودیم که تا نیمه ماه نوامبر (اواخر آبانماه) میزان اسپانسورهای ماهانه را به ۱۲ هزار دلار در ماه برسانیم و با موفقیت ۵ هفته قبل از پایان این مهلت به هدف سه ماهه خود رسیدیم. نیازهای مالی کانال جدید و حزب بسیار فراتر از این مبلغ است اما جمع آوری همین میزان، چشم انداز ادامه کاری کانال جدید و قدمهای بعدی این کمپین را روشنتر میکند. ما هدف سه ماهه دوم را رسیدن به ۱۸۰۰۰ دلار تا آخر سال ۲۰۰۸ (نیمه دیماه) تعیین کرده ایم. به اعتقاد ما تحقق هدف سه ماهه دوم کمپین کمک و اسپانسورگیری برای کانال جدید با حمایت و تلاش شما مردم شریف، شما دوستان و اعضا و فعالین حزب شدنی است. امیدوارم این مرحله نیز با تلاش شما پیش از موعد سه ماهه متحقق شود. بار دیگر از دوستانی که این هفته به صف حامیان مالی کانال جدید پیوستند تشکر میکنیم و صفوف حزب و همه انسانهای شریف و بینندگان کانال جدید را فرامیخوانیم تا فعالانه بیاری کانال جدید بریزند.

## شماره تلفن، آدرس تماس و شماره حساب برای کمک مالی به کانال جدید:

اگر از ایران تماس میگیرید:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
Shahla\_daneshfar@yahoo.com

اصغر کریمی: ۰۰۴۷۷۸۳۲۷۷۰۳۶

اگر از آمریکای شمالی تماس میگیرید:

شرق: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

[fateh\\_bahrami@yahoo.com](mailto:fateh_bahrami@yahoo.com)

غرب: مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

اگر از اروپا و سایر کشورها تماس میگیرید:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

[siabahari@yahoo.com](mailto:siabahari@yahoo.com)

حسن صالحی: ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

شماره حساب در برخی کشورها:

Sweden  
Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
account holder: WPI  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
4779 81  
BIC: NWBK GB 2L

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900Dixie Rd, Mississauga  
L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

## لیست دوازدهم: کمک های مالی و اسپانسورهای جدید تلویزیون کانال جدید

اسپانسورهای این هفته:

از طریق سوسن احمدی ۲۰ دلار ماهانه  
مرسده قائدی ۲۰ پوند ماهانه  
نازنین صدیقی و شش نفر دیگر ۱۵۰ دلار ماهانه  
جمع اسپانسورهای این هفته ۲۰۰ دلار

## کمک به تلویزیون کانال جدید:

محمد امیری ۱۰۰۰ کرون  
طهمورت ۵۵۰ کرون  
هوشنگ از مالمو ۵۰۰ کرون  
تیمور ۳۰۰ کرون  
آلکس ۲۳۰ کرون  
همرد خوزستانی ۲۰۰ کرون  
رضا از اصفهان ۱۰۰ کرون  
نوید میرزا حسنی ۵۰ یورو  
مهران شدیدی ۱۵ یورو  
تینا از امریکا ۱۰۰۰ دلار  
محمد کاظمی ۲۰۰ دلار  
حمید م ۱۰۰ دلار  
برادران اهواز ۱۰۰ دلار

عباس ایاج ۱۰۰ دلار  
آناهیتا کاظمی ۵۰ دلار  
ناصر اصغری ۵۰ دلار  
خانواده زری و مریم از ایران ۲۰۰ پوند  
هدیه تولد از شیراز ۴۰۰۰۰۰ تومان  
سعید رضایی ۱۰۰۰۰۰ تومان  
گل سرخ و غنچه ۵۵۰۰۰ تومان  
م. آذری ۲۰۰۰۰۰ تومان  
دنیا بهتری ۱۰۰۰۰۰ تومان  
جمع کمک های این هفته معادل ۳۵۶۰ دلار

## جمع اسپانسورهای کانال جدید تا این تاریخ:

ماهانه ۱۳۲۵۰ دلار (مجموع کمکهای مالی به دوازده ماه سرشکن شده و به اسپانسورها اضافه شده است)  
لازم به توضیح است که در چهار ماه گذشته ۲۷۱ نفر، ۵۹ نفر از ایران و ۲۱۲ نفر از خارج کشور اسپانسور کانال جدید شده و یا به آن کمک مالی کرده اند. \*

## سوسیالیسم بیا خیز! برای رفع تبعیض

یک دنیای بهتر  
برنامه حزب  
را بخوانید  
و در سطح  
وسیع توزیع  
کنید

www.wpiran.org: سایت حزب  
www.rowzane.com: سایت روزنه  
www.anternasional.com: نشریه انترناسیونال  
www.newchannel.tv: سایت کانال جدید

آدرس تماس با حزب:  
Tel: 0046-739318404  
Fax: 0046-8 6489716  
Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصری



## از صفحه ۱ چه ساده لوحانه اظهار نظر ...

آمریکا يك عادت بدی را گرفته اند و آنهم این است که خرجشان بیشتر از درآمدشان بوده است. این را با گرفتن وام دست و پا کرده اند؛ و این بحران با کمک مقررات جدید بانکی و غیره مردم را به ترك این عادت سوق خواهد داد! این در واقع همان ارائه يك تحلیل کوچک بازاری از بحرانی است که دنیا را در خود فرو برده است.

در این یادداشت کوتاه تئوری بحران را دانسته فرض می گیرم؛ با تنزل نرخ سود، سرمایه دچار بحران می گردد و غیره. خوانندگان این یادداشت را برای درك بهتر بحران به دو بحث، "نظری به تئوری مارکسیستی بحران" از منصور حکمت و "کاپیتال" مارکس ترجمه جمشید هادیان، رجوع می دهم. اما اجازه بدهید نگاهی بیندازیم و ببینیم که "این عادت بد مردم آمریکا" از کجا آمده و چه سیغی ای می تواند باشد.

خانم جیلا پارازیاشی اوغلو (Ceyla Pazarbasioglu) که رئیس یکی از بخش های بسیار مهم صندوق بین المللی پول است، می گوید که پولی که در گردش است و آماده است که سرمایه گذاری تضمین شده و بدون خطر بشود ۷۰ تریلیون دلار است. (این سرمایه را income security می گویند. مسئله بسیار پیچیده تر از آن است که بشود در يك یادداشت کوتاه و در واکنش به حرف های فرید زکریا توضیح داد.) برای کسی که نمی داند این میزان پول چقدر است این نکته را اول بگویم که هر هزار دلار، يك میلیون دلار می شود. هر هزار میلیون دلار يك میلیارد (بیلیون) دلار است. و هر هزار میلیارد دلار يك تریلیون دلار می باشد. نکته دیگری که جالب است بدانید، این است که مقدار این سرمایه در سال ۲۰۰۰ فقط ۳۶ تریلیون دلار بود. یعنی از زمانی که سرمایه داری شروع به انباشت این پول کرد تا سال ۲۰۰۰ مجموعه آن ۳۶ تریلیون دلار بود. از سال ۲۰۰۰ این مقدار به بیش از ۲ برابر افزایش یافت. به این نکته توجه کنید که این ۷۰ تریلیون دلار فقط سرمایه گذاری شده بدون خطر و تضمین شده است. قاعدتا کل سرمایه جهان چندین برابر

## تئوری توپنه

اخیرا در يك نظرسنجی که نتیجه آن در سایت اینترنتی AlterNet درج گردیده بود، دولت آمریکا طراح فاجعه ۱۱ سپتامبر اعلام گردیده بود. خبر فارسی این نظرسنجی توسط يك جریان طرفدار ضمنی اسلام سیاسی نیز با آب و تاب درج گردیده بود. خبر چنین است که در

خارج از آمریکا کمتر از نصف مردم جهان ادعای اینکه القاعده پشت فاجعه ۱۱ سپتامبر بوده است را باور دارند. این خبر می افزاید که "جواب ۱۶ هزار پرسش شونده در ۱۷ کشور مختلف اروپایی، آسیایی، آفریقائی، آمریکای لاتین و خاورمیانه در مقابل این سوال که "فکر می کنید چه کسی در پشت حملات ۱۱ سپتامبر بوده است؟" چنین بوده است. کمتر از نیمی از پرسش شوندگان بنوعی القاعده را مسبب حملات ۱۱ سپتامبر دانسته اند. ۱۵ درصد دولت آمریکا را عامل آن دانسته اند. ۷ درصد اسرائیل را و حدودا ۲۵ درصد هم اظهار کرده اند که مطمئن نیستند چه کسی پشت این کار بوده است." نکات دیگری که در این نظرسنجی آمده است، این است که ۲۶ درصد در بریتانیا، ۲۳ درصد در فرانسه و ۲۱ درصد در ایتالیا با عدم باور به تبلیغات آمریکا و متحدینش گفته اند که برای آنها مشخص نیست که چه نیرویی در پشت انفجارهای ۱۱ سپتامبر بوده است. ۲۳ درصد از مردم آلمان و ۱۵ درصد از مردم ایتالیا صراحتا دولت آمریکا را نیرویی که در پشت حملات ۱۱ سپتامبر قرار داشته است، معرفی کرده اند. "خبر درج شده در سایت فارسی زبان همچین می افزاید که در يك نظرسنجی در سال ۲۰۰۶، نزدیک به ۳۳ درصد از کسانی که مورد سؤال قرار گرفته بودند گفته اند که "از نظر آنها بسیار محتمل و یا به درجه ای محتمل است که مقامات رسمی دولت فدرال و پنتاگون یا در حمله به برجهای تجارت جهانی مستقیما شرکت داشته اند و یا هیچ اقدامی برای بازداشتن تروریستها از این حمله انجام نداده اند..."

در نگاه اول این خبر چنین می گوید که بخش عظیمی از مردم جهان نسبت به مقاصد دولت آمریکا بی اعتمادند. اما این چیزی نیست که امروز با نگاه به این نظرسنجی مسجل شده باشد و یا متوجه شده باشیم. اکنون تمامی سیاستمداران و سیاستگزاران اصلی آمریکا دمیدن در چنین شیووری را در يك کنسرت شروع کرده و دنبال راه حل هستند. فرانسس فوکویاما، یکی از مهمترین مهره های سیاستهای نئوکانیستی آمریکا و تئوریزه کننده "پایان تاریخ" در شماره ۴ اکتبر امسال مجله

## انجمن مارکس کانادا برگزار می کند

## سخنران: حمید تقوائی

## نقد مارکسیستی بحران

## جاری سرمایه داری

## تئوری مارکسیستی بحران

## نقش سرمایه مالی و اعتبارات

## در بحران جاری

## زمینه های سیاسی و اجتماعی بحران:

## از فروپاشی دیوار برلین

## تا فروپاشی وال استریت

## شکست مکتب شیکاگو و سردرگمی و

## بی افقی بورژوازی جهانی

## ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک بحران برای

## سرمایه داری دنیا

## پیامدهای بحران برای طبقه کارگر

## و توده مردم

## تأثیرات بحران در ایران

## پاسخ طبقه کارگر به بحران سرمایه

زمان: شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۰۸

مکان: تورنتو

نورت یورک کامیونیتی سنتر اطاق ۳

انجمن مارکس - کانادا

۱۳۰ اکتبر ۲۰۰۸

زمانی که چنین مسئولیتی را به عهده نمی گیرند و کسی هم نتوانسته است رد پائی از این کار اینها بیاید، اصرار بر اینکه کار ایشان بوده، آب ریختن به آسیاب تروریسم اسلامی است. کسی در این شکی ندارد که با هر بحرانی، چه نظامی و چه طبیعی، بخصوص دولت آمریکا همانند کشیشان انجیل به دست آنجا حضور به هم می رساند که از آن موقعیت استفاده کند. اما این نباید کسی را به این سنگر براند که الا بلا این کار خودشان است! جبهه سوم دقیقا قرار است چنین تفری را از سیاستهای آمریکا و یا اسلام سیاسی را به کانال درستش کانالیزه کند.\*

نیوزیوک این نگرانی را تئوریزه کرد و صریحا گفته است که ریگانسیم و تاجریسم به پایان خود رسیده است. اما آنچه که اینجا مد نظر است این است که نفرت از سیاستهای آمریکا به يك کانال هدفمند و درست کانالیزه نمی شود. چه اصراری داریم که بگوئیم ثابت کنیم که القاعده و یا فلان جریان تروریستی اسلامی که مسئولیت این فاجعه را برعهده گرفته است، پشت این فاجعه نبوده است. آنچه که اینجا باید در نظر گرفته شود این است که تروریستهای اسلامی مسئولیت آن فاجعه را به عهده گرفتند و رسالتشان هم در واقع تروریسم این نوعی است. و دیگر آنکه حتی اگر شخص جورج بوش و یا رامسفلد شخصا رفته باشند و آن فاجعه را برنامه ریزی کرده باشند، تا

## صدای مردم در کانال جدید

### نه ملی، نه قومی، هویت انسانی بر نامه ای از رضا مرادی

همه انسان هستیم

بردی دوگانه و چندگانه چه میخواهیم! ما بجز رفاه و شادی و خلاقیت برای بشریت و مساوات انسانها واقعا چی میخواهیم ما!! متاسف و نمیدانم که این وضعیت را چرا مردم ما هنوز خوب نشناخته اند!

مردی از المان

#### امیدوارم به یاری این کانال ...

جناب مرادی سلام. از تیزبینی شما خیلی ممنونم که جلوی هر روزنه ای را که سو استفاده کنندگان میخواهند وارد شوند میگیرید و راهش را میبندید. همیشه ما دیده ایم که از مسئله قومیت و ملیت این حاکمان و سرمایه داران سو استفاده کرده اند و بقول مثلی از آب گل آلود ماهیشان را گرفته اند. در همین همسایگی مان از افغانستان گرفته تا عراق و فلسطین بارها در تاریخ دیده

ایم و همچنان هم میبینیم که چگونه این حاکمان و قهرتمداران از افغانی بودن و ایرانی و کرد و عرب بودن انسانها سو استفاده کرده و مردم و جوانان کشورها را با نام دفاع از میهن و خاک و وطن بجان هم انداخته اند! در صورتی که اتفاقا در شرایطی از اوضاع جهانی هستیم که همه مردمان کارگر و زحمتکش جوامع بشری به اتحاد و تشکل نیاز دارند تا در قبال چنین سو استفاده خانمانسوز بیاستند. بر احساسات انسانی و زبان مادری و زیستی مردم میدمند و میلیون میلیون به جبهه های جنگ میفرستند و با دستان خودمان خود ما را بخون میغلانند و آنوقت دهه ای میگردد و چشم باز میکنیم و میبینیم که ما در چه وضعی هستیم و حاکمان در چه کاختهایی زندگی میکنند و با چه اسمهای دهن پر کنی مثل خبرنگان و فقهای نگهبان و شورای نگهبان و اسامی کشکی و دروغ دیگر بر ما مردم حکومت میکنند! امیدوارم بسیاری این کانال جدید و برنامه های و آگاهی دهنده و روشنگر کارگران و زحمتکشان و همه مردم عزیز جامعه ما بیشتر و بهتر بیدار شوند و بپا خیزند و دست بدست هم کار این حاکمان سو استفاده گر و استثمارگر را تمام کنیم.

مردی از ایران

کی کمونیسم امتحانش را پس داده است؟

سلام آقای مرادی، من يك نکته کوچکی در جواب آنهایی که میبایند و میگویند مردم ایران ذهنیت بدی دارند به کمونیسیم میگویم طرح کنم! آخه کی کمونیسیم در ایران بقدرت آمده و با آزادی تمام خودش را نشان داده که حالا مردم ذهنیت خوب داشته باشند یا بد داشته باشند! من نمیدانم اینکه میگویند کمونیسیم امتحانش را پس داده است در ایران کی بوده و کجا بوده که خودمان که سالها در مبارزه هم بوده ایم و زندانش را هم کشیده ایم و شلاق و شکنجه اش را هم خورده ایم اینها را متوجهش نشده ایم که کمونیسیم در ایران امتحانش را پس داده باشد! در همان دوره انقلاب حتی همان گروه های مارکسیستی مثل پیکار و فدایی و غیره که بدست هم سازمانهای کمونیستی و مارکسیستی نبودند میبایدیم که اغلب مردم جنوب شهر از ترک و فارس و کرد و بلوچ و عرب همه شان حمایتشان میکردند و به صفوفشان میپیوستند، و امروز که از خط سیر همان انقلاب ۵۷ میبینیم که حزبی با اهداف انسانی بسیار روشنی پس از سی سال جنگیدن پا بمیدان گذاشته و کانال و رسانه قدرتمندی هم برای صدای مردم راه انداخته است و بسیار روشنتر و شفافتر از آن گروه های مارکسیستی از زمان هم کار میکند و پیش میرود، اما میبینیم که باز هم میبایند و حرف از ذهنیت بد مردم نسبت به کمونیسیم و کمونیسیم و سوسیالیسم میزنند! زنده باد کانال جدید و برنامه های روشنگر شما.

مردی از فرانسه

### برنامه ای تحت عنوان: با اصغر کریمی، رئیس هیئت دبیران حزب در مورد کمک مالی به کانال جدید

سلام آقای کریمی، آیا در دویی حساب بانکی دارید کمک بفرستیم؟ شماره تلفن میگذارم تماس بگیرید. مردی از دویی

سلام آقای کریمی، از شوهرم جدا شده ام و هنوز کار پیدا نکرده ام ولی پول ناچیزی دارم میفرستم. کارگری از ایران

#### چه خوش تیپ شدید!

سلام میکنم، چه خوش تیپ شدید امشب آقای کریمی، من خودم اسپانسور کانال جدید هستم ولی میخواستم اسم چند نفر از دوستان فرانسویم را با مبلغ کمک مالیشان

اعلام کنم. البته اسامیشان برای ما ایرانیها کمی مشکل هست ولی سعی میکنم که شمرده بگویم. خانم الیزابت ۲۰ یورو، نیکلا ۱۰ یورو، لوران ۱۰ یورو، لویی پاسستور ۳۰ یورو و لری کلویت ۵۰ یورو.

#### با افتخار کمک میکنم

سلام آقای کریمی، ما یک جمع ۷ نفره هستیم و الان پای تلویزیون نشستیم ایم و با افتخار اعلام میکنیم که ماهانه ۱۵۰ دلار به کانال جدید کمک میکنیم و اسپانسور تلویزیون میشویم.

نازی بنمایندگی از ۷ نفر از سوئد

#### حقوق یک ماه را به کانال جدید میدهم

سلام آقای کریمی. من میخواهم حقوق یکماهه را که ۲۲۰ هزار تومان است به کانال جدید هدیه کنم. کارگری از ایران

#### برای حزب کمونیست کارگری فلک درست کرده ام

سلام آقای کریمی. ما از کارگران سد گاوشان طرفدار حزب کمونیست کارگری هستیم. دستمزدهای ما ناچیز است ماهی ۲۲۰ هزار تومان است و بعضی موقعها میبینید که سه ماه حقوق نمیپردازند ولی میخواهیم کمک کنیم. ما با دوستانمان قرار گذاشته ایم که هر ماه ۲۰۰۰ تومان بیاندازیم توی فلک برای حزب کمونیست کارگری، هرچند که میدانیم خیلی کم است ولی این فعلا همه توان ماست. جمعی از کارگران سد گاوشان

الو سلام علیکم، من میخواستم ۱۰ هزار تومان کمک کنم لطفا بگویید چطوری بفرستم؟

مردی از ایران

سلام آقای کریمی، من خیلی خوشحالم که طرفدار حزب شما هستم و امیدوارم که بخاطر مشکلات مالی کارش را پایان ندهد. من ۵۰۰ یورو میخواهم بحساباتان بریزم و ماهانه هم ۲۵ یورو میدهم. يك كادر حزب از آلمان

#### این صدای انسانیت است و نباید خاموش شود

سلام آقای کریمی. من زنگ زدم به آن آقای که میگفتند (این پول ها اضافی است و میخواهید چکار کنید) بگویم که نه تنها اضافی

نیست بلکه باید این کانال را که صدای انسانیت و کارگر و زن و کودک و حقیقت است به بهترین کانال دنیا تبدیل کنیم. من ۱۰۰۰ دلار کانادا بحساب کانال جدید میریزم و ماهانه هم برای ۲۵ دلار تعهد مالی میدهم. این کانال مسیر مبارزه با سرمایه داری را روشن میکند.

يك كادر حزب از کانادا

سلام آقای کریمی، من ۱۰۰۰ کرون سوئد میخواهم بدهم و اگر بروم سر کار بیشتر کمک میکنم.

پروین از سوئد

#### این کانال مال ماست

سلام آقای کریمی. من از کسانی هستم که به کانال جدید تعهد داده ام و کمک مالی را هم بزودی میفرستم. هنوز خیلی ها هستند که قلبشان مالامال از عشق انسانیت و آزادی و برابری است و متصرفند از سرمایه داران و جمهوری اسلامی ضد انسانی. این کانال مال ماست و آینه ای است برای نشان دادن جنایات رژیم و کانال اتحاد و همدلی ماست و باید بکوری چشم دشمنان همیشه برقرار باشد.

مردی از ایران

سلام آقای کریمی، يك استوار بازنشسته هستم. میخواهم صد هزار تومان کمک کنم. لطفا راهنمایی کنید.

مردی از ایران

#### عهد کرده بودم که اگر کار پیدا کنم کمک کنم

با سلام بشما، به کوری چشم آنهایی که مزاحم میشوند عهد کرده بودم که اگر کاری پیدا کردم کمک کنم اکنون کارگر يك شرکت هستم. من ۱۰۰ یورو میفرستم و خودم اسپانسور ماهانه هم هستم. چشمشان کور، آزادی ما برقرار، مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد حزب کمونیست کارگری.

زنی از فرانسه

#### تشکیل جمعهایی برای کمک به کانال جدید

سلام اصغر کریمی، دوستانی زنگ زدند و در این فاصله کمکهایشان را اعلام کردند که میخواستم به اطلاع شما برسانم. اول بشما خسته نباشید میگویم و بسهم خودم از دوستانی که کمک کردند تشکر میکنم. دوستی گفت روزی يك دلار کنار میگذارم. دوستانی يك جمع تشکیل داده اند و

صفحه ۱۱

## از صفحه ۱۰ صدای مردم در کانال جدید ...

هر کدام ۴ هزار تومان به صندوق میریزند. دوستی گفتند يك ميليون تومان. دوستی از دویي ۲ هزار دلار. دوستی از تهران ۵۰ هزار دلار. کارگری اعلام عضویت کرد ولی چند ماه است که حقوق نگرفته است که کمک مالی کند. دو دوست دیگر آدرس و اطلاعات خواستند که کمکهایشان را برسانند. شهلا دانشفر

**کمک میکنم چون این حزب خواهان نابودی مذهب و سیستم طبقاتی است**

سلام بشما. من قبلا ۳۵۰ کرون فرستادم و هفته آینده هم ۱۰۰۰ کرون میفرستم چونکه این حزب و این کانال خواهان نابودی مذهب، سیستم طبقاتی، نابرابری و برچیدن نظام سرمایه داری است.

يك دوست افغانستاني از سوئد

سلام علیکم. من میخواستم يك ميليون تومان کمک کنم. شماره تلفن خانم شهلا دانشفر را لطفا به من بدهید.

زنی از ایران

سلام. ما ۱۰-۱۲ نفر کارگریم و هرکدام مبلغی جمع میکنیم و ماهانه به کانال جدید میفرستیم. نماینده يك جمع کارگری

**انقلاب راه سرنوینی جمهوری اسلامی برنامہ ای از کاظم نیکخواه****این رژیم را به رهبری شاه سرنگون میکنیم**

سلام بشما آقای نیکخواه. من با این رژیم جمهوری اسلامی هیچ سنجی نندارم و ذره ای خوشی و عدالت از این رژیم ندیده ام و آرزوی نابودی سرمایه داری را دارم. من در میدان کار میکنم. بنظر من همه مردم زحمتکش و کارگران باید باهم متحد شوند و این رژیم را برهبری شما براندازیم. ما حزب کمونیست کارگری را خیلی دوست داریم و صدای شما برای ما خیلی عزیز است و بخدا امید ماست. کارگری از کرمانشاه

**ما برای آزادی و برابری انقلاب کردیم**

سلام آقا. من میخواستم به این آقای که گفتند که مردم رای دادند و همین حکومت را میخواهند بگویم که بله

مردم از رژیم شاه خسته شده بودند و تنفر داشتند و آمدند به خیابان و انقلاب کردند که به آزادی و برابری برسند ولی مردم نمیدانستند و زانی مثل من پیش بینی نکرده بودیم که بعدها که حکومتشان محکم شد در خیابانها میریزند روی سرمان و موهایمان را میکنند و با قیچی میبرند و هزار جور بدبختی برآیمان درست میکنند و زنان را بی آبرو میکنند و شلاق میزنند و ما را به این روز میاندازند! هیچ زنی دوست ندارد که کتک بخورد و بی آبرو شود و شلاق بخورد و این آن آزادی نبود که ما برایش انقلاب کرده بودیم! لذا این باید خیلی مسخره باشد که فکر میکنید ما پخیابان آمدیم که باتوم بخوریم و سرکوب شویم! حتما خود آن آقای که زنگ زد خودش کتک نخورده و شاید کتک و باتوم هم توی سر زنان و جوانان زده است! اینها حتی به زنان حمله هم نکرده!

زنی از ایران

**با رهبری این حزب پیروز خواهیم شد**

سلام آقای نیکخواه. نسل ما که انقلاب کرد بخاطر نبودن آگاهی خوب و نداشتن يك حزب رادیکال و چپ و يك رهبری قدرتمند شکست خورد اما اکنون که اکثر عظیم این مردم آگاه شده اند باید بکمک این کانال و این حزب متحد شویم و بتوانیم با سازماندهی سراسری اهداف آن انقلاب را به پیروزی برسانیم. مطمئنا اکنون سرمایه داران بیشتر از آن دوره و حریص تر از آن زمان جلوی انقلاب خواهند ایستاد اما اینهم کاملا روشن است که صفوفشان بسیار برهم ریخته و ازهم پاشیده است. لذا امیدوارم با رهبری این حزب و با همت و اتحاد میلیونی و سراسریمان اینبار بتوانیم و قطعا میتوانیم پیروز شویم. مردی از ایران

**به يك رهبری قوی نیاز داریم**

سلام آقای نیکخواه. من و دوستان کارگر همه میدانیم که باید این رژیم را که طبقه کارگر را بدبخت و بیچاره کرده است براندازیم و این سرمایه داری را نابود کنیم اما چیزی که هست به يك رهبری قوی و سازمانیافته فکر میکنیم که میلیونها کارگر و مردم زحمتکش را متحد و متشکل و رهبری کند. کارگری از ایران

**تنها راه نجات از دست سرمایه داری انقلاب است**

اول سلام میکنم به شما و بینندگان

عزیز و طبقه شریف کارگر و مردم شریف و زحمتکش ایران و تمامی بشریت. تنها راه نجات از دست سرمایه دار انقلاب است و بقول چه گوارا نظم یافته ترین اعتراض جهان همان انقلاب است. مردم ایران و دنیا باید بدانند که از سه چیز یکی نژاد و دوم ملیت و سوم مذهب باید رهایی پیدا کنند و همه اینها هم ریشه در سرمایه داری دارند. بقول شاملو برای مردم معادی مقرر نیست که یکی بیاید نجاتشان دهد، لذا اگر طبقه کارگر و زحمتکش منتظر نشسته اند که یکی بیاید و نجاتشان دهد کاملا در اشتباهند بلکه باید با اتحاد بی نظیری و با يك رهبری حزبی و سازمانیافته بجنگ این رژیم و این نظام سرمایه برویم. انقلاب فقط از درون طبقه کارگر و جامعه ستم دیده بلند میشود ولی بدون رهبری و آگاهی سراسری به همان روزی میافتد که در ۵۷ افتاد. مردی از ایران

**حق شهروندی برای افغانیهای مقیم ایران برنامہ ای از کیوان جاوید****آیا کسی در خارج به شما گفته ...**

سلام آقای کیوان، من يك افغانستاني هستم در ایران زندگی میکنم. آیا تابلحال کسی در خارج در همان انگلیس بشما گفته (ایرانی کشف است؟! در ایران نیروهای انتظامی، برخی کارمندان ادارات و کارفرماها بارها این نوع توهینها را بما میکنند و حتما میدانید که چقدر رنج روحی و احساس حقارت به آدم دست میدهد، اگر شرایط سخت کاری و زندگی را هم به آن اضافه کنید آدم را داغون میکنند.

يك افغانستاني از ایران

**حکومت اسلامی به ما ستم میکند**

سلام آقای کیوان، يك افغانی هستم و ۲۷ سال است که در ایران زندگی میکنم. هر سال از ما برای تجدید مدارک مان عوارض میگیرند و درعین حال يك شناسنامه درست و حسابی هم بما نمیدهند چه برسد به گذرنامه و پاسپورت. بارها مدارکمان را میگیرند و میگویند که میخواهیم اخراجتان کنیم و بدون مدارک هم بچه هایمان را در مدارس و دانشگاه قبول نمیکنند چرا چونکه ملیت افغانی داریم! حالا من و خانم و سه تا بچه و مادرم ماندیم که بسوزیم و بسازیم یا به جنگ و

بدبختی در افغانستان برویم! من مریضم و پایم شکسته و ۸ بار عمل کردند ولی دیگر پول کافی برای دو جراحی آخر ندارم. يك افغانستاني از ایران

**امیدوارم این حزب بتواند این انقلاب را رهبری کند**

سلام بشما. بسیار متشکرم از این برنامه تان که برای افغانیهای ایران تدارک دیده اید. شما خوب خبر دارید که ۳۰ سال جنگ تحمیلی در افغانستان برپا بود و هنوز هم نیروهای اشغالگر با نیروی ضد بشری طالبان مردم افغانستان را بخاک و خون میکشند و میلیونها انسان و خانواده افغانی وارد ایران شده و به این جامعه پناه آورده اند و همانطوری که میدانید مهمان هم نیستند بلکه با تحمل سختترین کارها و ساختن خانه ها و بناها و ساختمانها مثل کارگران و مردم زحمتکش خود ایران جان میکنند اما وقتی به امورات زندگی شان نگاه میکنیم بویژه به وضعیت کودکان افغانی نگاه میکنیم مبینیم مشکلات بس بیشتری نسبت به کارگران و کودکان خود ایران دارند که گلشنه از وضعیت بسیار وخیم اقتصادی و اجتماعی از لحاظ امنیتی بسیار در مشقت هستند. از این جهت است که من صمیمانه از تلویزیون کانال جدید که صدای این مردم بی پناه و بسیار زمتکش هم شده است سپاسگزارم. بنظر من راه حل اینست که منافع کارگران و زحمتکشان سراسر جهان باهم مشترک است و باید متحد و متشکل علیه این نظامهای بردگی قیام کرد و امیدوارم ای حزب بتواند این انقلاب را رهبری کند.

**امیدوارم صدای ما را به گوش همه برسانید**

الو سلام علیکم. من از خانواده افغانی هستم ولی خودم ایرانیم اما برایم شناسنامه صادر نکرده اند و الان هم که میروم به ادارات مبینیم بخاطر افغانی بودن شوهرم ما را سر میدوانند! و لذا مشکلات بسیاری برآیمان پیش میاید که نه میتوانیم تحصیل کنیم و نه میتوانیم خانه ای اجاره کنیم و سندی ارائه کنیم. الان یکسال و نیم است که میدوم ولی بجایی نمیرسم. در ماه رمضان تصادف کرده بودیم و ماشین به شوهرم زده بود و کارمان به بیمارستان کشیده بود و کار بجایی رسیده بود که اگر شکایت نمیکردیم حتما ضایع میشد اما بخاطر نداشتن شناسنامه نه تنها از پس این مشکل برنیامدیم بلکه در کار درمان و

بیمارستان هم شدیدا دچار مشکل شدیم و سه تا از انگشتان پای شوهرم را بخاطر نداری و بموقع نرسیدن کم مانده بود قطعش کنند که دکتر انسان دوستی بزرگواری کرد. الان هر مشکلی که پیش میاید و بدنبال این اداره آن داره میروم و یا سر و کارم به انتظامات میافتد بمن میگویند که چرا با يك مرد افغانی ازدواج کرده ای! امیدوارم صدای مرا بگوش همه برسانید.

زن ایرانی همسر مردی افغانستاني

**آخر چرا؟**

سلام علیکم خسته نباشید. من خانمی هستم که دو هفته پیش با شما تماس گرفتم و گفتم که در خوزستان زندگی میکنم و بچه ام بخاطر افغانی بودن پدرش بمدرسه نمیرود، خوشحالم که بیاد آوردید. دوباره در این چند روز هم کار مدرسه را پیگیری کردم ولی بهیچ عنوان کار ما را جلی نمیگیرند! انهم نه تنها من را بلکه بسیاری از خانواده های افغانی هم همین مشکل را دارند! تمامی افغانیهای که کارگری میکنند و مشغول کاری هستند همواره تنششان میلرزد که بگیرنشان و جیبهایشان را خالی کنند و دوباره مثل سال گذشته در این سرما روانه افغانستان کنند! همواره باید قایم شوند و از چشمان نیروهای انتظامی پنهان زندگی کنند، آخه چرا؟! شوهر من پاسپورت هم گرفته است ولی هرگز اجازه دارم که دولت جمهوری اسلامی حداقل همکاری با ما افغانیها بکند البته من میدانم که این دولت هم مثل دولت طالبان مرض دارد و گرنه با مردم خودش چنین نمیکرد و با ما هم بدتر از این مردم نمیکرد. آخه چرا باید جناب سرهنگ این مملکت و این دولت به عوض اینکه شناسنامه مرا و بچه مرا درست کند برگردد و بگوید که چرا با شوهر افغانی ازدواج کرده ای! خوب منم برگشتم گفتم که دلم خواسته که شوهر افغانی داشته باشم آیا جرمی مرتکب شده ام! و گفتم که آیا بشما ربطی دارد! ایشان هم برگشت گفت که حالا که با مرد افغانی شوهر کرده ای برگرد برو افغانستان! آخه اینهم شد حرف! و پاسپورت ما تصدیق نکرد. از جمهوری اسلامی این حداقل ها را انتظار دارم که متاسفانه گویا در این حداقلترین حداقلها هم مریض است. جناب سرهنگ آخر سر پاسپورت ما هم خراب کرد. نمیدانم واقعا چکار کنیم و ماندم!\*

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

## در حاشیه رویدادها

کیوان جاوید



## پائینی ها نمی خواهند، بالائی ها نمی توانند!

استان مازندران و از موسسین سپاه استان  
 ۲- عضو شورای فرماندهی سپاه استان مازندران  
 ۳- مسئول اطلاعات و تحقیقات سپاه پاسداران مازندران  
 ۴- دادیار و حاشین دادستان ساری  
 ۵- جانشین دادستان آمل در درگیری ششم بهمن سال ۶۰  
 ۶- دادستان شهرهای هشت پر، آستارا و خلخال به امر شهید قدوسی  
 ۷- فرماندار علی آباد کتول در استان گلستان  
 ۸- فرماندار گنبد کاوس در واقعه جنگ در گنبد  
 ۹- مسئولیت در ستاد اجرایی فرمان خمینی  
 ۱۰- مسئولیت در نهاد ریاست جمهوری دوران خامنه ای  
 ۱۱- مسئولیت در شورای عالی دفاع و پیگیری مسائل مربوط به جنگ در استان ها  
 ۱۲- معاون اداری و مالی سازمان مسکن  
 ۱۳- معاون و قائم مقام سازمان ثبت اسناد و املاک کشور  
 ۱۴- قائم مقام سازمان ایرانگردی و جهانگردی  
 ۱۵- معاون اداری و مالی سازمان صدا و سیما  
 ۱۶- معاون امور مجلس و استان

افتضاحی که علی کردان، وزیر کشور سابق حکومت اسلامی رو آورده است، حکایت وضعیتی وخیم جمهوری اسلامی است. حکومتی که اینچنین لجن یکی از مهره های کلیدی خود را رو می کند، دارد فریاد می زند که این حکومت به روزهای آخر عمر خود نزدیک می شود. جمهوری اسلامی روی دوش اوپاشی چون کردان بنا شده است. کسی که از اولین روز روی کار آمدن این رژیم کمر به خدمتش بسته و البته پله های "ترقی" مادی را یکی بعد از دیگری بالا رفته است.

کردان کیست و نقشش در تحکیم حکومت اسلامی چیست؟  
 مهمترین مسئولیت های کردان پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی. (ایشان فقط یک مسئولیت در پیش از روی کار آمدن رژیم اسلامی داشتند که به آن نیز خواهیم پرداخت.)  
 ۱- پاسدار کمیته انقلاب اسلامی

عشق به اهل بیت آذین بخشید. اما یکی از "سواق" اسلامی و دینی ایشان که در جریان افشاگری کردان به آن متهم شده است زندانی شدن در اوایل سال ۵۶ به جرم تجاوز جنسی است. هر چند همه هم قطاران ایشان در حکومت اسلامی از روز اول با این "سابقه مبارزاتی" آشنائی کامل داشتند اما ۳۰ سال وقت لازم بود تا در جنگ جناح ها این خدمات اسلامی بر ملا شود.  
 کردان فقط یک مورد از لمپنهایی جمهوری اسلامی است. کردان فقط یک نمونه از همدستی همه سران و کاربدستان حکومت اسلامی، یعنی مجلس و قوه قضائیه و مقننه و ... برای خون پاشیدن به زندگی مردم و تحمیل حکومت فقر و گرسنگی به مردم است. کردان یکی از تجسمهای تمام عیار آپارتاید جنسی نسبت به زنان و حاکم کردن فرهنگ منحط اسلامی بر زندگی همه مردم و جوانان است.

در جریان این جنگ جناح ها، "دکتر" احمدی نژاد تهدید کرده است که مدارک "علمی" دیگران نیز پیگیری می شود. اما این فقط جنجال از سر عصبانیت نیست. سران حکومت اسلامی نیاز ندارند که حتما با مدارک علمی به جان مردم بیفتند. صدها آخوند کپک زده اسلامی که "مدارک فقهی شان" را از فیضیه قم دریافت کرده اند موقعیت کلیدی ای در حکومت اسلامی دارند. اما ماجرا اینجا ختم نخواهد شد. کردان وزیر کشور و یار غار آقای احمدی نژاد بود. در انتخابات بعدی ریاست جمهوری بعنوان سرپرست شمارش آرا می توانست نقش کلیدی در بیرون کشیدن مجدد احمدی

های صدا و سیما  
 ۱۷- معاون وزیر کار و امور اجتماعی  
 ۱۸- رییس سازمان آموزش فنی و حرفه ای  
 ۱۹- قائم مقام وزیر نفت  
 ۲۰- آخرین مسئولیت، وزیر کشور (سابق) حکومت اسلامی  
 سمت های جنبی و عضویت در مجامع و شوراهای و کمیته ها  
 ۱- مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان  
 ۲- عضو کمیته حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام  
 ۳- عضو شورای عالی آموزش و پرورش  
 ۴- عضو هیات نظارت بر صدا و سیما  
 ۵- عضو هیات تطبیق مصوبات مجلس با دولت در دوره ششم و هفتم  
 ۶- رییس کمیته کاهش تقاضای مواد مخدر کشور (!!!)

مشاهده می کنید ایشان چه نقش ارزنده و کلیدی در تداوم عمر حکومت اسلامی داشتند. فقط یکی از انواع مقامی که ایشان داشتند کافی است که به جرم ۳۰ سال جنایت علیه مردم محاکمه و مجازات شوند. قتل عام کردن در گنبد و آمل نیز همانطور که مشاهده می کنید جزو سواق اسلامی، حکومتی ایشان است.

همچنین در سواق پیش از روی کار آمدن جناب "دکتر" (سابق) کردان آمده است: از همان دوران با روحانیت و همشینی با شخصیت های دینی و مذهبی فضای جان را به عطر قرآن و

نژاد از صندوق های رای داشته باشد. رقبا این را نمی خواستند. جناح احمدی نژاد برای خاموش کردن رقبا به معمول ترین روش در حکومت اسلامی سعی کردند این پرونده را بایگانی کنند. معاونت حقوقی و پارلمانی رئیس جمهور با پرداخت چک ۵ میلیونی به نمایندگان اسلامی به بهانه کمک به مساجد از آنها می خواهد که امضای استیضاح خود را پس بگیرند. اما انگار ۵ میلیون تومان مبلغ کمی برای خاموش کردن دیگر ارازل حکومت اسلامی بود. یا به بیان درست تر دعوا ها به مراتب جدی تر از این است که بشود سابقه کثیف همدیگر را برای مدت طولانی تری پرده پوشی کنند.

کردان داستان زندگی همه نمایندگان مجلس و وزرا و وکلای این حکومت است. این جانیان مدارک بسیاری از هم در صندوق خانه بایگانی کرده اند. هنوز پرونده کشتارها و دزدی های میلیاردی اینها تماما رو نشده است. دور نیست وقتی همه این نمایندگان مجلس، اطلاعاتی ها، شکنجه گران و تیر خلاص زن های این حکومت در صف طویل متهمان جنایت علیه مردم ایران پشت میز محاکمه قرار گیرند و علیه همدیگر مدرک رو کنند. آرزو روز جشن و شادی مردم ایران خواهد بود. مردم ایران برای این روز لحظه شماری می کنند. واقعه علی کردان یک بار دیگر به ما می گوید، وقتی بالائی ها نتوانند حکومت کنند، نشان میدهد که پائینی ها حکومت را در زمین باز به مصادف طلبیده اند. \*

واقعیات تهیه شده است.

تهیه و پخش برنامه اسلامی حلال تی وی توسط تلویزیون دولتی سوئد توهم آشکار به همه مردم است و باید فوراً متوقف شود. ما همه مردم سوئد، سکولارها، انساندوستان، مدافعین حقوق زن، مدافعین حقوق کودک، مدافعین آزادی های بیان و عقیده را فرامیخوانیم که قاطعانه در مقابل این دهن کجی دولت سوئد به آزادخواهان و به کل انسانیت بایستند و همراه با ما خواهان پایان دادن فوری به این برنامه و معذرت خواهی از مردم شوند.

پخش برنامه تلویزیون حلال تی وی باید متوقف شده و مسئولین تلویزیون سوئد باید بخاطر این عمل توهین آمیز خود از مردم عذر خواهی کنند.

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران - سوئد

نوامبر ۲۰۰۸

wpi.sweden@yahoo.com

## برنامه تلویزیونی حلال تی وی یک توهین بزرگ به مردم

وی پوشاندن این حقیقت و جعل واقعیات است.

واقعیت این است که بر اساس قوانین اسلام هر گونه تماس دختر و پسر حرام است و آزار و شکنجه متخلفین از این حکم، حلال محسوب می شود. برابری کامل زن و مرد حرام است و فرمانبرداری مطلق زن از مرد حلال. هر گونه نقد از مذهب و شک در وجود خدا و گفتار پیغمبرانش حرام است و قتل این منقدین و شکاکان حلال و مستوجب پاداش. خلق بسیاری از آثار هنری حرام است و تخریب آنها حلال، فرمانبری مطلق از احکام اسلامی حلال است و سرپیچی از آن حرام و شکنجه و اعدام متمدنین از این احکام حلال. اینها نمونه هایی از احکام حرام و حلال اسلام است و برنامه حلال تی وی برای انکار این

های مختلف و انجام مصاحبه و پخش تبلیغات اسلامی نمونه هایی از این سیاست دولت سوئد است. و در ادامه همین سیاست رسانه های دولتی سوئد بارها گفته های منتقدین به اسلام سیاسی و افشاگران جنایات نیروهای اسلامی را سانسور کرده اند.

برای صدها هزار زنی که در سوئد زندگی می کنند و در زندگی خود مجبور به داشتن حجاب شده اند، مشاهده برنامه تلویزیونی که مجریان پوشیده در لباس اسلامی آن احکام اسلام را اشاعه می دهند، تحقیر آمیز و شکنجه آور است. عنوان این برنامه تلویزیونی بخوبی بیانگر محتوای آن است. هر روز هزاران انسان در کشورهای اسلام زده بخاطر احکام حلال و حرام مورد آزار و شکنجه قرار می گیرند. اما هدف برنامه حلال تی

تهیه و پخش این برنامه تاکنون اعتراضات زیادی را به دنبال داشته است. چرا تلویزیون دولتی سوئد که با مالیات مردم این کشور اداره می شود، باید هزینه ارائه چهره دلپسند از اسلام را به عهده بگیرد؟ و چرا این رسانه عمومی وظیفه تبلیغ و مطرح کردن مذهب و باورهای مذهبی را به عهده گرفته است؟

سیاست عمومی دولت و رسانه های دولتی سوئد تاکنون نشان داده است که آشکارا به اسلام سیاسی و دولت های اسلامی باج می دهد و فضای مناسب برای ترویج خرافات و باورهای مذهبی و رشد تروریسم اسلامی بوجود آورده است. اجازه فعالیت به مدارس مذهبی، طرح آموزش امام، پخش مراسم مذهبی اسلامی در تلویزیون به مناسبت

تلویزیون سوئد اقدام به تهیه و پخش یک برنامه تلویزیونی به نام حلال تی وی کرده که اولین بخش این برنامه در پر بیننده ترین ساعت در روز دوشنبه سوم نوامبر به نمایش درآمد است. در این برنامه سه خانم مجری ملبس به یونیفورم اسلامی مسائل اجتماعی از قبیل برابری، فقر و ثروت را به بحث می گذارند و به قول خودشان سعی دارند در این برنامه "چهره خوب" اسلام را به مردم نشان دهند. تجربه میلیونها انسانی که در کشورهای اسلام زده زندگی می کنند نشان داده است که اسلام خوب و بد ندارد اما مجریان این برنامه تلویزیونی که خود طرفدار سنگسار و قوانین ارتجاعی اسلامی هستند، می خواهند که همین قوانین را بزرگ کرده و به مردم نشان دهند.